

مرگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما



کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم شماره ۶۴

چهارشنبه ۴ تیرماه ۱۳۵۹

۱۶ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان

کمیته از سازمان چریکهای فدائی

فدائیان خلق در راه استقرار صلح عادلانه در کردستان

ما همه گروگان هائی را که در اختیار داریم بعنوان قدم عملی برای استقرار صلح عادلانه در کردستان بدون قند و سبوط آزاد می کنیم، تا مردم بدانند چه کسانی خواهان ادامه جنگ برادرکشی در کردستان هستند

اگر دولت خواهان ادامه جنگ برادرکشی در کردستان نیست، اعلام انقباض کند، به محاصره اقتصادی پایان بخشد و با سایندها خلق کرد بر مبنای طرح مادهای وارد مذاکره شود. ما مسئولیت تداوم صلح در کردستان را می پذیریم و همه قدرت رزمندگی خلق کرد و پیشمرگان انقلابی آن را تا آنجا که در توان داریم، در جهت متلاشی کردن تشکلهای آزادی رژیم عراق و امپریالیسم امریکا سازمان خواهیم داد

هر روز که می گذرد، وسیع تری از مردم آشکار تر عنین حال جهر مدافعان جنگ ضرورت استقرار صلح عادلانه می شود. مواضع و اقدامات برادرکشی در کردستان برای در کردستان برای بخشهای صلح طلبانه سازمان ما، در بنام در صفحه ۳

گرانی مشکل بزرگ زحمتکشان

در صفحه ۵

آقای رئیس جمهور!

زیر شعار "شورا بی شورا"
ضد انقلاب در صنعت نفت
خود را تحکیم می بخشید

در صفحه ۶

تبلیغات رادیویی
امپریالیسم
ودوستان و
جاسوسان
آنها خنثی کنیم

در صفحه ۱۶

در این شماره:

حاکم بر داد و احق انقلاب ارس
در دام دوستان و جاسوسان
امپریالیسم امریکا

در صفحه ۱۱

تاریخ زحمتکشان، میهن دان، دوزخ، بیخبریم

بحره - بارده ماه شماره دهه ها در کمن صحرای در حتما ارفاه

حش صد امپریالیسمی - دیکتاتک خلفای سراسر ایران



اسرار کارگران کارخانه آسکا علیه ریدانی
سدن ساند کارگران و معطل سدن کارخانه

در صفحه ۱۱

اعلامه ساحه کردستان در راه
آزادی کربان ها

در صفحه ۲

برنامه کمونیست های یمن برای ساختمان سوسالیسم

از طریق دورزدن سرمایه داری (صبا احمر)

در صفحه ۲

تلاش پاکستان برای زاندارمی منطقه
و سیاست آقای قطب زاده

در صفحه ۲

مردم مبارز تهران!

با شرکت در مراسم روز یکشنبه ۸ تیر ماه روز
شهدای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
را گرامی داریم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

در صفحه ۱۳

بکوشیم تا با استقرار صلح در کردستان وحدت مردم میهنمان را

علیه امپریالیسم امریکا تحکیم بخشیم

تبلیغات رادیویی...

بقیه از صفحه ۱۶

مطوبات می‌باشند. آنها خواهان آنند که نشریات انقلابی آزاد شوند و وسایل ارتباط جمعی حقایق را به مردم بازگویند و به سلاخی علیه امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا بدل شوند.

کمیونتها
بمگیرترین سازمان ضد امپریالیست.
ضمیمه
بختیاری از این خواستهای بحق مردم که گامی بزرگ در جهت مبارزه با امپریالیسم میباشد. وظیفه دارند که با بهره‌گیری از همه امکانات خویش، چه از طریق بخش وسیع نشریات و اعلامیه‌های سازمانهای انقلابی و کمیونستی و چه از طریق گسترش تبلیغات شفاهی خود با موج تبلیغات امپریالیستی به مقابله برخیزند. اکنون لزوم کار مداوم و پیکر انقلابیون کمیونست در میان کارگران و زحمتکشان بسیار ضروری است و کمیونستها این وظیفه دشوار انقلابی را در هر شرایطی موظفند به انجام رسانند و به هر وسیله‌ای که امکان پذیر است، مانع از آن شوند دشمنان مردم خود را دوستان مردم ما معرفی نمایند.

فدائی کردن نشریات انقلابی که با رشد و اشاعه گسترده طیفاتی توده‌های مردم گام‌های موثری در جهت مقابله با امپریالیسم و شبکه‌های تبلیغاتی آن برسد. مردم سپه ما را عملاً در برابر تبلیغات ضد انقلابی و گسترده امپریالیسم خلق کرده است. دولت شرعی کارگران ارگان سراسری سازمان جنبش فدائی خلق ایران را که نقش بسیار مهمی در اشاعه آگاهی در بین مردم دارد، توقیف کرده است و در عوض روزنامه‌های لیبرالی و وابسته به امپریالیسم آزادانه بفروش می‌رسد. توقیف نشریه کار و دیگر نشریات انقلابی عملاً به هتک گرفتن یکی از سلاحهای مردم در امتیاز توطئه‌های امپریالیسم و مقابله با فعالیتهای تبلیغاتی آن می‌باشد.

شرایط ضعف و پراکندگی جنبش کمیونستی، بخشهای وسیعی از مردم را بسوی تبلیغات امپریالیستی و محافل وابسته به آنها جلب می‌کند. پاره‌ای از سیاستهای جمهوری اسلامی از جمله دشمنی کینه‌توزانه با نیروهای انقلابی و خصوصاً کمیونستها دروغ‌پردازی علیه کشورهای سوسیالیستی و جنبش‌های رهاشکستی و رواج شوری ضد انقلابی "دو اسب قدرت" در میان مردم، همراه با برقراری سانسور شدید در رادیو و تلویزیون و مطبوعات توده‌های مردم را بسوی بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیست می‌کشد.

مردم زحمتکش سپه ما که می‌خواهند در حیات سیاسی کشور خود نقش داشته باشند و از آنچه در میهنشان می‌گذرد اطلاع یابند، در رادیو و تلویزیون و مطبوعات رسمی یا سانسور و دروغ‌های مکرر علیه نیروهای انقلابی مواجعه شده و گروه‌هایی از آنان بر اثر عدم آگاهی گامی به رادیوهای امپریالیستی همچون ایران آزاد و ... ساه می‌برند و تحت تاثیر تبلیغات مخرب آنها قرار می‌گیرند. دولت جمهوری اسلامی نیز با توقیف و غیر

در حاشیه افشای نوارهای ... بقیه از صفحه ۱

آدم‌ماند برای نابودی مبارزهای که برای کسب استقلال و آزادی جریان دارد به نام مردم و معتقدات و آرمانهای آنان، علیه مردم اقدام کرده و عملاً در جهت سیاستهای امپریالیسم آمریکا دوستان و جاسوسان آنان گام بردارند. سیاستی که مشوق سیاستمدارانی همچون آیت است، به آنها امکان رشد داده و از آنان قدرت سیاسی می‌سازد، دارای دو ویژگی اساسی است:

۱- در این سیاست دوستان و دشمنان مردم با اعتقاد به عدم اعتقاد به آئین‌های اسلامی مشخص می‌گردند. این سیاست با ایجاد چنین تقسیم‌بندی غیر واقعی میز دوستان و دشمنان مردم را درهم می‌ریزد و صفوف مردم را پراکنده می‌سازد و مانع اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیست و ترقیخواه حول مبارزه علیه امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا به مثابه دشمن مشترک و اصلی خلفهای قهرمان ایران می‌شود. در این سیاست، امپریالیسم که دشمن مشترک مردم ماست، رنگ میبازد و عملاً راه برای دوستی و مصالحه با آن هموار می‌گردد.

۲- این سیاست دشمنی با نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست و در رأس آن انقلابیون کمیونست را، به بهانه پاسداری از اسلام در سر لوحه برنامه‌های خود قرار می‌دهد و از این رو ضربات سختی بر پیکر مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلفهای ایران وارد می‌آورد و بنابراین مانع از کسب استقلال و آزادی مردم شده و عملاً به سود امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا تمام می‌شود.

نگاهی کوتاه و گذرا به کارکرد حزب جمهوری اسلامی در مدت ۱۴ ماهی که از تاسیس آن می‌گذرد، بخوبی نشان میدهد که این سیاست تا چه پایه راهنمای حزب بوده و چگونه بر بستر نیروهای ناهمگونی که در حزب گرد آمده‌اند و نیز تضیقاتی که در حزب وجود دارد، تحکیم یافته است. این سیاست تا کنون ضربات مهلکی بر پیکر انقلاب ایران وارد آورده و امروز نیز با ادامه و تشدید جنگ برادری در کردستان، تلاش مداوم برای سلب حقوق دمکراتیک مردم، ضربات مهلک تری بر انقلاب ایران وارد می‌آورد. نمونه عملی این سیاست جنایاتی است که در دانشگاهها شاهد آن بودیم که منجر به کشتار وحشیانه دهها تن از دانشجویان مبارز میهنمان گشت. نتایج چنین سیاست مخربی گسترش روزافزون نفاق ملی در میان خلفهای تحت ستم ایران، بی‌بها شدن ارزشها و نهادهای انقلابی و شکل‌گیری موانع بزرگ در راه اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست است. آنهم در شرایطی که به بدترین اتحاد عمل چنین نیروهایی برای مبارزه علیه امپریالیسم نیاز است.

امروز پس از گذشت ۱۶ ماه از قیام شکوهمند خلفهای قهرمان ایران، اثبات شده است که امپریالیسم و دوستان و جاسوسان آن و نه ویژه سرمایه‌داران لیبرال از چنین سیاستی سود می‌برند و با تمام قوا تلاش می‌کنند زیر شعار آزادیخواهی دروغین و بر بستر سلب اعتقاد توده‌های میلیونی، بیش از پیش صفوف نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست را تضعیف ساخته و روحانیت مبارز و ضد امپریالیست را به سود خود می‌انصار سازند.

در این میان وظایف انقلابیون کمیونست به مثابه پیکرترین و مومن‌ترین نیروهای ضد امپریالیست بسیار خطیر و حساس است. آنها وظیفه دارند سیاستهایی را که بنام مردم اما علیه مردم و آرمانشان بکار گرفته می‌شود، افشاء سازند، مضمون واقعی سیاست سرمایه‌داران لیبرال را برای مردم توضیح دهند، و عوامفریبی‌های آنان را فاش کنند و نگذارند که هدفهای دشمنان مردم بهمین رانده شود، تا صراحت، صداقت و دفاع پیکرانه انقلابیون کمیونست از منافع مردم به انگای تجارب سیاسی مستقیم خود آنان به اثبات رسد و راه برای پیروزی واقعی خلق هموار گردد.

تلاش پاکستان برای زاندارمی منطقه

و سیاست آقای قطب زاده

ارتجاعی پاکستان، تونس، عربستان سعودی و ... با آرمانهای مردم ما فاصله دارد.

ما بار دیگر ضمن محکوم ساختن سیاست نزدیک و همکاری دولت جمهوری اسلامی ایران با رژیم‌های سرسپرد اعلام می‌داریم سیاستهایی که آقای قطب زاده مدافع آن است به هیچ وجه مورد قبول مردم سپه ما نبوده و نیست. ما چنین سیاستهایی را به هتک حقیقی ایران و جهان علیه مصالح و منافع خلقهای منطقه می‌دانیم.

است که در صورت کمک بی‌دریغ امپریالیسم آمریکا، دولت وی حاضر است نقش زاندارمی منطقه را بر عهده گیرد.

بدون تردید این سخن آقای قطب زاده نمی‌تواند بدون ارتباط با رشد و گسترش مبارزات مردم پاکستان برای سرنگونی رژیم ضد خلقی و دست نشاندهای باشد که آقای قطب زاده نماینده وزارت خارجه آن است.

در همین حال اصرار بی‌پرده آقای قطب زاده، بطور مبرمان‌تری نشان می‌دهد که تا چه پایه تلاش‌های وزارت خارجه ایران در نزدیکی و همدلی با دولت‌های

به دنبال شرکت وزارت خارجه ایران در کنفرانس اسلامی پاکستان که با موج اعتراض و خشم مردم و همه نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست روبرو شد، قطب زاده بی‌امتنانه به آرمان‌های ضد امپریالیستی مردم ما، به کوشش‌های خود برای نزدیکی به دولت‌های ارتجاعی منطقه افزود و همچنان در کمک به تشکیل محامع امپریالیستی برای سرکوب جنبش‌های ضد امپریالیستی و ترقیخواهانه منطقه اصرار ورزید.

به نازکی آقای قطب زاده وزیر خارجه پاکستان و دوست آقای قطب زاده اعلام کرده

مرکب بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا



فدائیان خلق در راه استقرار...

بقیه از صفحه ۱

آشکارتر ساخته و آنها را در موقعیت ضعیفتری قرار داده است. مردم خطرات جدی که انقلاب را تهدید می کند، هر روز آشکارتر و عمیقتر از روز پیش درک کرده و خواهان اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیسم برای درهم شکستن توطئهها و شبکههای دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا هستند.

پایان جنگ برادرکشی در کردستان و استقرار صلح عادلانه دقیقاً از چنین نظرگاهی خواست خلق کرد و تمامی مردمی است که برای نابودی سلطه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا بپا خاسته و از ایتار جان و مال خود دریغ نکردند زیرا ادامه جنگ در کردستان به معنی رویارویی هرچه بیشتر مردم در برابر هم و به معنای آن است که بخش بزرگی از نیروی مردم ما از مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا بعنوان دشمن اصلی خلقهای ایران منحرف شده و به دشمنی میان صفوف خود تبدیل گردد.

امروز دامنه فعالیت شبکههای وابسته به امپریالیسم و متحدان داخلی آن گسترش چشمگیری یافته است. سرتاسر غرب کشور زیر پوشش این شبکهها قرار گرفته و اقدامات مسلحانه آنان علیه مبارزات زحمتکشان منطقه هر روز دامنه وسیعتری می یابد.

فئودالها و خوانین فارس که از مدتها پیش به مسلح ساختن آبادی خود پرداخته بودند، اکنون فعالیتهای مسلحانه خود را علیه زحمتکشان منطقه و دستاوردهای انقلاب گسترش دادهاند.

در مناطق جنوبی و بویژه در نواحی سیستان، بلوچستان شبکههای وابسته به امپریالیسم و آبادی مسلح خوانین و فئودالها بورش تازهای را آغاز کردهاند.

سلطنت پلیمان و طرفداران بختار - اویسی در سرتاسر ایران به کمک هزاران ساواکی که توسط جمهوری اسلامی آزاد شدهاند به تخریب و سازماندهی گسترده خود مشغولند. شبکههای تبلیغاتی آن هر روز وسعت بیشتری می یابد و بر زمینه ناتوانیها تاریخیهای حکومت به

گسترش نفوذ خود در میان تودههای نگاه و تحت ستم و فشار مشغولند.

سرمایه داران لیبرال و سیاستمداران مدافع آنان که در تمام ارگانهای حکومتی جمهوری اسلامی لانه کردهاند زیرگانه هدفهای منافع خود را تعقیب کرده و گام به گام آن را به پیش می رانند و در این میان دولت علیرغم اقدامات صلح طلبانه ما و همه نیروهای اصیل انقلابی خلق

ضمنی و سکوت برخی نیروها در منطقه در روزهای اخیر بر گستاخی خود افزوده و رسماً اعلام موجودیت می نمایند و...

سازمان ما با آنکه بارها این حقایق را به اطلاع مقامات رسمی جمهوری اسلامی رسانده است، لیکن همواره با بی اعتنائی و بهیچر سیاست جنگ برادرکشی در کردستان از جانب دولت روبرو بوده است.

رئیس جمهور تاکنون هیچ اقدام جدی برای پایان بخشیدن به جنگ برادرکشی در کردستان به عمل نیاورده است، محاصره اقتصادی همچنان پابرجاست و قشونکشیها به دستور ایشان و با تشویق فرماندهان ارتش همچنان ادامه دارد.

کرد همچنان نسبت به استقرار صلح عادلانه در کردستان بر عتق است.

نتیجه ناگزیر چنین سیاستی ایجاد محیط مناسبتر برای رشد دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا و ایادی رژیم ضد خلقی عراق در منطقه است.

... اکنون بیشتر از پیش ما شاهد گسترش دخالتهای رژیم بعث در منطقه می باشیم. در جنوب کردستان عوامل وابسته به پالیزبان، اویسی و بختیار در منطقه سنجایی، قلخانی، گوران، سرپل نهاب و...

تعداد زیادی از عناصر مزدور را مسلح نموده و منطقه را عملاً زیر کنترل خود گرفتهاند و به شهرها و روستاها حمله می کنند و در سایر مناطق کردستان رژیم بعث سیاست مسلح نمودن دستمهای فئودالی را به شدت دنبال می کند. نتیجه این سیاست وفور دستمهای ضد انقلابی و مزدور نظیر سپاه زرگاری، شیخ جلال حسینی، شیخ هادی و... سایر دستمها و شیوخ ضد انقلابی در منطقه بوده است. با همکاری رژیم بعث تعداد زیادی از افسران سلطنت طلب وابسته به امپریالیسم که روابط نزدیکی با فرماندهان ضد خلقی ارتش دارند، تحت عنوان افسران انقلابی و دمکرات تحت پوشش دفاع از حقوق خلق کرد، تلاش دارند در جنبش مقاومت برای خود جای پایی کسب نمایند. این تفاله های رژیم پهلوی در نتیجه نائید

محیط تشنج و بحرانی در کردستان از جانب این حزب صورت گرفته است.

سازمان ما در گوشههایش برای استقرار صلح عادلانه در کردستان همه امکانات را مورد مطالعه قسراسر داد. مذاکره با مقامات حکومتی به عنوان یک گام موثر از جمله اقدامات سلولانه و صلح طلبانه ما بود. انتشار ناقص و توأم با فرض صورت مباحثات ما با آیت الله بهشتی نیز نتوانسته است این حقیقت را پرده بوشی کند. ما که از پیش موافق بودیم در صورت تمایل دکتر بهشتی صورت مباحثات انتشار یابد، طی آن بر این نکته تاکید کردیم که راه حل مسئله کردستان از طریق نظامی نیست!

ما به آیت الله بهشتی گفتیم (و ایشان صلاح دانستند این قسمت هم انتشار نیابد!) که راه حل نظامی در کردستان طبق یک محاسبه ساده سرانگشتی با شکست نظامی ارتش و پاسداران روبرو خواهد شد. ما همچنان تاکید کردیم که نمی توان در شرایطی که خانه های مردم زیر آتش راکت های ارتش جمهوری اسلامی بر سرشان ویران می شود و مردم شاهد از دست دادن عزیزان خود

شخصی رئیس جمهور که در گفتار از استقرار صلح در کردستان دم می زند در مقابل تلاشهای صلح طلبانه ما و دیگر نیروهای اصیل انقلابی خلق کرد، سیاست سکوت و بی اعتنائی نسبت به مطالبات خلق کرد و در عمل سیاست ادامه جنگ را پیشه کرده است. رئیس جمهور تاکنون هیچ اقدام جدی برای پایان بخشیدن به جنگ برادرکشی در کردستان به عمل نیاورده است، محاصره اقتصادی

تلاش پیگیر سازمان ما در ایجاد محیط مساعد برای استقرار صلح عادلانه در کردستان هم اکنون بیشترین و امیدبخشترین شرایط را برای خاتمه بخشیدن به جنگ برادرکشی در کردستان فراهم آورده است. در این میان رفته رفته برای همه مردم ایران آشکار می شود که تنها سیاستهای جنگ طلبانه حکومت و حزب جمهوری اسلامی در کردستان است.

تلاش پیگیر سازمان ما در ایجاد محیط مساعد برای استقرار صلح عادلانه در کردستان هم اکنون بیشترین و امیدبخشترین شرایط را برای خاتمه بخشیدن به جنگ برادرکشی در کردستان فراهم آورده است. در این میان رفته رفته برای همه مردم ایران آشکار می شود که تنها سیاستهای جنگ طلبانه حکومت و حزب جمهوری اسلامی در کردستان است.

همچنان پابرجاست و قشونکشیها به دستور ایشان و تشویق فرماندهان ارتش همچنان ادامه دارد.

حزب جمهوری اسلامی یکی دیگر از ارگان گسترش جنگ در کردستان است. این حزب همواره مشوق جنگ برادرکشی در کردستان بوده است. نادیده گرفتن واقعیات تاریخی و سیاسی کردستان، تحریف حقایق و در پیش گرفتن سیاست دشمنی با نیروهای اصیل انقلابی کردستان، دامن زدن به دشمنی قومی و تبلیغات گسترده علیه خلق کرد از جمله اقداماتی بوده است که برای گسترش

هستند، از تفاهم و اتحاد خلقهای ایران برای درهم شکستن توطئهها و شبکههای دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا سخن گفت آیت الله بهشتی باید به عنوان دبیرکل حزب جمهوری اسلامی و عضو شورای انقلاب و... برای مردم مبهن ما توضیح دهند که تاکنون چه اقدام عملی مثبتی برای استقرار صلح عادلانه در کردستان به عمل آوردهاند! هم اکنون نظر مردم سرتاسر ایران به اقدامات صلح طلبانه سازمان ما و دیگر نیروهای انقلابی اصیل خلق کرد جلب شده و آشکارا از آن حمایت می کنند.

صدور اعلامیه مشترک با حزب دمکرات در توضیح ضرورت صلح، صدور بیانیه رسمی از جانب سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان، درباره وظایف نیروهای انقلابی، افشای ابادی وابسته به امپریالیسم آمریکا و رژیم عراق در منطقه، آزادی بدون قید و شرط گروگانها، کوشش عملی برای درهم شکستن توطئههای عوامل امپریالیسم آمریکا و رژیم عراق در منطقه همه در شمار اقداماتی است که در مدتی کوتاه از جانب رهنا صورت گرفته است.

تلاش پیگیر سازمان ما در ایجاد محیط مساعد برای استقرار صلح عادلانه در کردستان هم اکنون بیشترین و امیدبخشترین شرایط را برای خاتمه بخشیدن به جنگ برادرکشی در کردستان فراهم آورده است. در این میان رفته رفته برای همه مردم ایران آشکار می شود که تنها سیاستهای جنگ طلبانه حکومت و حزب جمهوری اسلامی در کردستان است.

ما در ادامه مسئولیتهای انقلابی خود برای تحکیم اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیسم در جهت غلبه بر خطراتی که انقلاب مردم ما را تهدید می کند، از تمامی مقامات رسمی جمهوری اسلامی سوال می کنیم چه اقدام مثبت عملی در قبال تلاشهای پیگیر ما و همه نیروهای انقلابی خلق کرد به منظور استقرار صلح عادلانه در کردستان به عمل آوردهاند.

اگر دولت خواهان ادامه جنگ در کردستان نیست، اعلام آتش بس کند، به محاصره اقتصادی پایان بخشد و با ناپندگان خلق کرد بر مبنای طرح ۶ مادامی وارد مذاکره شود.

ما مسئولیت تداوم صلح در کردستان را می پذیریم و همه قدرت رژیمدگی خلق کرد و بهیچرگان انقلابی آن را تا آنجا که در توان داریم، در جهت متلاشی کردن شبکههای ابادی امپریالیسم آمریکا و رژیم عراق سازمان خواهیم داد. ما در این راه گام برداشتیم و مصمم قاطعانه آن را به پیشرانیم و ایمن داریم که پیروزی از آن ما و همه کسانی است که در راه مبارزه پیگیر با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و تمامی دوستان و آن گام برمدارند

برنامه کمونیست های یمن برای ساختمان سوسیالیسم از طریق دورزدن سرمایه داری (دست آخر)

و بناهای صادره شده تحت کنترل دولت درآمد و طبق برنامه در جهت صانع اکثریت مردم به کار افتاد. تنها شرکتی که از طی شدن صون ماند، پالایشگاه عدن بود. علت این امر فقط این بود که مواد خام مورد نیاز پالایشگاه در خود عدن تولید نمی شد و از خارج وارد می شد و هنوز صانع خود پس مورد اکتشاف و بهره برداری قرار نگرفته بود. بدین خاطر برای اینکه پالایشگاه از کار نماند، رژیم یمن صوسی تنها به طی کردن فروش محصولات آن اقدام نمود.

حل انقلابی مسئله ارضی

دولت یمن دیکراتیک مسئله ارضی را که حل آن یکی از وظایف اساسی مرحله دیکراتیک طی انقلاب به شمار می رفت. به شیوه های انقلابی حل نمود. قانون اصلاحات ارضی در نوامبر ۱۹۷۵ از طرف دولت صادر شد. بلافاصله پس از صدور قانون که برای پایان دادن به وضع رفت بار دهقانان لزوم صادره و توزیع دوباره زمین را اعلام می داشت. فئودالها برای انگیختن دهقانان به مخالفت با برنامه ارضی از پرداخت وام و اعتبار بدانها امتناع ورزیدند و در نتیجه وضع زندگی دهقانان در ابتدا باز هم سخت تر و مشقت بار تر شد. اما رهبری جنبه تنها به صدور قانون اکتفا نکرد بلکه به راههای طیفی برای پیاده کردن آن نیز اندیشیده بود. بدین خاطر جنبه اعضای جوان بویزه کارگران و دانشجویان را به دهات اعزام داشت تا در سازماندهی دهقانان برای اجرای اصلاحات ارضی شرکت کنند. در اثر کار توضیحی اعضای جنبه، دهقانان به صنایع خود آگاه شده و داوطلبان در کمیته های دهقانی تشکیل دادند. البته در ابتدای امر دهقانان که سابقه فرسایش فقر و بدبختی و فشار اجاره امتداد به دولت را بدانها نمی داد. از این امر وحشت زده بودند و از آن دل به برنامه دولت ایمن نداشتند. اما وقتی نمایندگان جنبه به توزیع اسلحه بین دهقانان کمیته ها و تشکیل ملیشهای دهقانی پرداختند، ترس آنها فرو ریخت و پابندی گذاشتند و این بار فئودالها بودند که وحشت جانشان را فرا گرفت. پس از سازماندهی کمیته های دهقانی بومی از قیام های دهقانی، روستاهای یمن جنوبی را در آتش خود فروخت و دهقانان تحت رهبری جنبه بدون پرداخت هیچگونه دانه ای به اربابان، به صادره انقلابی زمین پرداخت. اصلاحات ارضی در یمن دیکراتیک به شیوه انقلابی طی یعنی با تکیه بر عمل مستقیم دهقانان و به نفع دهقانان انجام گرفت و روابط فئودالی را به شیوه های انقلابی ریشه کن ساخت (با اصلاحات ارضی در الجزایر مقاله "الجزایر هجده سال پس از انقلاب" منتشر در "کار" ۶۰ و اصلاحات ارضی در ایران مقایسه کنید)

هدف دولت از برنامه اصلاحات ارضی و تشکیل کمیته های دهقانی بسیار فراتر از صادره و تقسیم زمین بین دهقانان می باشد. کمیته های دهقانی به تشکیل تعاونی های توزیع پرداخته و خرید و فروش محصولات کشاورزی را متمرکز می نمایند تا هم دست واسطه ها کوتاه شود و هم راه برای گسترش و تعاونی کردن تولید هموار شود. بسیاری از نمایندگان کمیته ها که به وسیله خود دهقانان انتخاب می شوند، از دهقانان عضو جنبه (و در حال حاضر حزب) می باشند. محصول تعاونی های تولید پس از کسر مخارج عمومی مزارع اشتراکی بر حسب کار انجام شده توسط هر شخص، بین کارکنان مرزوم تقسیم می شود. در سایه چنین کار توضیحی و عمل انقلابی بود که تمام موانع طبقاتی فئودالها و موانع مرزوم مرستان خودی سنی بر اینکه اشتراکی شدن زمین موجب بدبختی دهقانان خواهد شد، خنثی شد و خود دهقانان بدخلالت مسلحانه فئودالها و موانع مرزوم مرستان را دفع کردند.

در مورد وضع اقتصادی یمن صوسی باید خاطر نشان بود که قبل از استقلال این کشور از واحدهای مرزوم و جداگانه ای که هیچ ارتباط سطحی با هم نداشتند،

سازمان کمونیست های یمن راه رشد غیر سرمایه داری را به پیروی از اصول سوسیالیسم علمی و در جهت سیاست و اقتصاد و فرهنگ درک می نمود و در اقتصاد سیاست های خود از اصول سوسیالیسم علمی و بویزه نظریات لنین در مورد جنبش های آزادی بخش طبقه کارگر استفاده می کرد. عبدالفتاح اسماعیل یکی از رهبران جنبه در مقاله ای می نویسد: "انقلاب ما راه صحیح عبور و تحولات انقلابی به نفع زحمتکاران را بر ایده های لنین درباره سازره رهائی بخش طی طبقه های مشرق زمین در اتحاد با سازره انقلابی جهانی علیه امپریالیسم و استعمار و انتقال به سوسیالیسم از طریق دورزدن سرمایه داری پیدا نمود. کاربرد موفقیت آسیر خلافت نظری انقلابی علمی در کشور ما، که اکثریت جمعیت آن را دهقانان، چادرتشنان و صنعتگران تشکیل می دهند، خصوصیت ویژه تجربه چندجانبه یمن دیکراتیک می باشد..."

با انقلاب دیکراتیک طی را نه یک جریان خود بخودی بلکه روندی هدایت شده و بخوبی سازمان یافته در نظر می گرفتیم. تجربه جنبش رهائی بخش طی جهانی نشان داده است که بعضی دولت های مستقل (از نظر سیاسی - کار) که می خواستند راه رشد غیر سرمایه داری را طی کنند به علت عدم پذیرش سوسیالیسم علمی به عنوان پایه ایدئولوژیک سیاستها مدم مخالفتی نقش پنهانگ طبقه کارگر در سازره برای تحدید بنای جامعه و بالاخره به دلیل عدم اتحاد یک سیاست اصولی در فعال توسعه روابط با جامعه کشورهای سوسیالیستی و نیروهای جنبش انقلابی جهانی شکست خورده و بعداً تحت نفوذ امپریالیسم و استعمار فرار گرفتند.

بر این اساس جناح چپ "جنبه رهائی بخش طی" در سالهای ۱۹۶۹ و به ویژه پس از کنگره پنجم در سال ۱۹۷۲ من اینک بعنوان تنها نماینده سیاسی طبقه کارگر، سیاست های انقلابی مبتنی بر اصول سوسیالیسم علمی را پیش می برد. تدارک شرایط برای کتل یک حزب مارکسیست - لنینیست را یکی از وظایف اساسی خود می نمود و کوشش خود را در این مورد در پنج زمینه متمرکز نموده بود:

- ۱- مطالعه صیق سوسیالیسم علمی از منابع اصلی
- ۲- پیشبرد سازره طبقاتی و انجام تغییرات مترقیانه
- ۳- کار تشکیلاتی در بین کارگران برای رهبری مبارزات آنها و تحکیم پیوند بین کارگران و سازمان سیاسی خودشان.
- ۴- اتحاد گروه های مختلف جنبش دیکراتیک طی در یک سازمان سیاسی یکپارچه و بالاخره

۵- گسترش و عمیق روابط انترناسیونالیستی با اردوگاه سوسیالیسم و جنبش های کارگری و رهائی بخش جهانی

تشکیل سازمان سیاسی متحد جنبه طی در سال ۱۹۷۵ که به سازمان جنبه رهائی بخش طی، اتحاد دیکراتیک خلق و حزب پنهانگ خلق را در بر می گرفت کامی اساسی در جهت تشکیل حزب بود. حزب سوسیالیست یمن بر پایه همس سازمان در سال ۱۹۷۸ تشکیل شد.

صفت متمم اقتصاد یمن صوسی تا قبل از استقلال فئودال گلی صنعت (به استثنای یک پالایشگاه) و کشاورزی عقب مانده و در بسیاری موارد اقتصاد طبیعی بود. جناح انقلابی چند ماه پس از بدست گرفتن کامل قدرت، شروع به انجام انقلابی وظایف مرحله دیکراتیک طی انقلاب نمود. تمام شرکت های خارجی بدون پرداخت فرات طی شدند. شرکت هایی که سودهای کلان آنها در مورد بانکها و شرکت های بیمه حتی سرمایه و ذخیره آنها سر مستقیماً به لندن منتقل می شد و هم چنین تجارت خارجی طی شد و در این امر به پشتیبانی که در قسمت تأسیس با احتیاج عمومی (برنج، شکر، گندم و روغن نباتی) فعالیت داشتند اولویت داده شد تا از احتکار و ایجاد تورم مصومی توسط شرکت های خارجی با مصلحت جلوگیری شود. تمام شرکتها

تشکیل می شد. سایرین دولت جمهوری دیکراتیک خلق یمن می بایست برای غلبه بر عقب ماندگی اقتصادی و بهره گیری اقتصاد با برنامه و به ویژه برای فراهم ساختن امکان حمل و نقل ماشین آلات کشاورزی و کود و محصولات کشاورزی به گسترش شبکه ارتباطی کشور می پرداخت چرا که بدون شبکه ارتباطی نظم ساختمان اقتصاد با برنامه و سراسری غیرممکن است. بدین خاطر جنبه در اولین برنامه سه ساله خود (۷۵-۱۹۷۲) به سرمایه گذاری در این بخش اولویت داد.

مردم شگفتن دستگاه مولتی کهنه و استقرار دستگاه مولتی نوین

در مورد دستگاه دولتی سبادهای فئودالی و استعماری مردم شگفته شد. رؤسای قبایل بخش خود را در اداره امور عمومی و دولتی از دست دادند. در ارتش و دستگاه اداری تصفیه کاملی به عمل آمد و جنبه و سپس

دولت یمن دیکراتیک مسئله ارضی را که حل آن یکی از وظایف اساسی مرحله دیکراتیک طی انقلاب به شمار می رفت. به شیوه های انقلابی حل نمود. قانون اصلاحات ارضی در نوامبر ۱۹۷۵ از طرف دولت صادر شد. بلافاصله پس از صدور قانون که برای پایان دادن به وضع رفت بار دهقانان لزوم صادره و توزیع دوباره زمین را اعلام می داشت. فئودالها برای انگیختن دهقانان به مخالفت با برنامه ارضی از پرداخت وام و اعتبار بدانها امتناع ورزیدند و در نتیجه وضع زندگی دهقانان در ابتدا باز هم سخت تر و مشقت بار تر شد. اما رهبری جنبه تنها به صدور قانون اکتفا نکرد بلکه به راههای طیفی برای پیاده کردن آن نیز اندیشیده بود. بدین خاطر جنبه اعضای جوان بویزه کارگران و دانشجویان را به دهات اعزام داشت تا در سازماندهی دهقانان برای اجرای اصلاحات ارضی شرکت کنند. در اثر کار توضیحی اعضای جنبه، دهقانان به صنایع خود آگاه شده و داوطلبان در کمیته های دهقانی تشکیل دادند. البته در ابتدای امر دهقانان که سابقه فرسایش فقر و بدبختی و فشار اجاره امتداد به دولت را بدانها نمی داد. از این امر وحشت زده بودند و از آن دل به برنامه دولت ایمن نداشتند. اما وقتی نمایندگان جنبه به توزیع اسلحه بین دهقانان کمیته ها و تشکیل ملیشهای دهقانی پرداختند، ترس آنها فرو ریخت و پابندی گذاشتند و این بار فئودالها بودند که وحشت جانشان را فرا گرفت. پس از سازماندهی کمیته های دهقانی بومی از قیام های دهقانی، روستاهای یمن جنوبی را در آتش خود فروخت و دهقانان تحت رهبری جنبه بدون پرداخت هیچگونه دانه ای به اربابان، به صادره انقلابی زمین پرداخت. اصلاحات ارضی در یمن دیکراتیک به شیوه انقلابی طی یعنی با تکیه بر عمل مستقیم دهقانان و به نفع دهقانان انجام گرفت و روابط فئودالی را به شیوه های انقلابی ریشه کن ساخت (با اصلاحات ارضی در الجزایر مقاله "الجزایر هجده سال پس از انقلاب" منتشر در "کار" ۶۰ و اصلاحات ارضی در ایران مقایسه کنید)

حزب کنترل خود را بر این دستگاهها اعمال نمود. برنامه آموزش سوسیالیسم علمی برای پرسنل ارتش و کارمندان مولتی به اجرا درآمد. هم چنین تئورهای محلی انتخاب گردید و بطور کلی سیستم دیکراتیک متمرکز جایگزین سیستم استعماری فئودالی سالی گردید. برای شرکت هرچه بیشتر و فعال تر توده ها در امور عمومی و دولتی و اعمال دیکراسی توده های سازمانهای اجتماعی از قبیل اتحادیه ها و انجمن های کارگران، دهقانان، جوانان، زنان، دانشجویان، پیشاهنگان، اصناف و نویسندگان به وجود آمد.

در ۲۶ - ۲۵ ژوئن ۱۹۷۸ اورتونیست های "چپ" به رهبری سالم ربیع علمی در جریان توطئه های صی نبودند تا جناح انقلابی سازمان سیاسی متحد جنبه طی را کنار گذاشته و خود قدرت را به دست گیرد. این گروه که دارای تفایلات اورتونیستی "چپ" بودند در عرصه داخلی از طرفی با توسل به اقدامات آنتراشیستی "چپروانه" در مورد محدود کردن غیر اصولی و شتابزده تولید خود به دهقانان و صنعتگران کوچک صربه می زدند و رهبری جنبه را تحقیر می نمودند و از طرف دیگر با تکیه بر این دیدگاه اکتونیستی که چون طبقه کارگر یمن هنوز ضعیف است و سطح آگاهی اش پایین است، شرایط لازم برای تشکیل حزب آماده نیست. در تشکیل حزب کارکنی سوده و آن را به تعویق می انداختند. عبدالفتاح اسماعیل در این مورد می نویسد: "ما به توبه خود متفقد بودیم که طبقه طبقاتی طبقه کارگر یمن (با جمعیت ۱/۷۵ میلیون، با فقط ۸۰/۰۰۰ نفر کارگر دانشگاه) نقش پنهانگ می تواند توسط سازمان پنهانگ انقلابی با کار پایه ایدئولوژیک روشن تأمین و ایضا شود. ما می دانستیم که بعضی احزاب انقلابی با دور زدن مرحله تکامل سرمایه داری، مردم جوانی را که ساخت اجتماعیشان از کشاورزان و دامداران تشکیل می شد، به سوسیالیسم رسانده اند... نیکی نیست که طبقه کارگر در کشور ما هنوز در حالت شکل گیری است و تعداد کارگران در بین اعضای حزب هنوز محدود است (حدود ۲۰٪) اعضای حزب از کارگران تشکیل می شود - کار) اما در حالیکه سوسیالیسم در منطقه وسیعی از جهان پیروز شده است، حزب طبقه کارگر می تواند (و می بایست) قبل از آنکه از نظر کمی و کیفی بالغ شود، تشکیل گردد. به نظر ما روشی برخلاف این، نادرست بوده و تحریف سوسیالیسم علمی است."

اورتونیست های "چپ" در عرصه خارجی که ارساطی لایتنک با سیاستها و جریانان داخل کشور داشت. در حالیکه در حرف در باره انترناسیونالیسم پرولتری و مبارزه علیه امپریالیسم و ارجاع سخن می گفتند. عملاً

گرانی مشکل بزرگ زحمتکشان

هم بچه دارم. از صبح ساعت ۴ از خانه بیرون می‌روم و ۹ شب خسته و مرده به خانه می‌آیم وقتی حساب می‌کنم می‌بینم که نان و ماست را هم به زود برای زن و بچه‌ها تهیه می‌کنم.

بهر مرد می‌گفت: "دولت باید هرچه زودتر به این نابسامانی‌ها خاتمه بدهد می‌گویند فلان مقدار به افغانستان دادیم، فلان مقدار به کجا و کجا فرستادیم. یکی نیست بگوید چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است؟! یکی از همسایه‌های ما جوشکار است. چندتا بچه هم دارد الان چند وقتیه که بیگار است هرچه اسباب و اثاثیه داشته بیخته و خرج خانواده‌اش کرده. آخر این زندگی نشد زندگی!"

پس از گفتگو با مردم به سراغ چند فروشنده رفتم تا نظر آنها را هم در مورد گرانی بپرسم یک خوار و بار فروش می‌گفت:

"مدتی است که جنس در بازار کم شده است برای مثال روغن و پودر رختشویی و مابون با به دست ما نمی‌رسد یا اگر برسد آنقدر کم است که ما نمی‌توانیم به همه مشتری‌ها بدهیم مدتهاست که قفصهای ما از جنسهای ضروری خالی شده است همانطور که می‌بینید فقط کمپوت، دستمال کاغذی و امثال اینها قفصها را پر کرده است"

در مورد افزایش قیمت‌ها از او سوال کردیم گفت:

"بعد از انقلاب روزی به روز بر قیمت اجناس اضافه شده است به طوریکه قیمت برنج، روغن و حبوبات به تا چهار برابر شده است روغن در سال گذشته حدود ۱۲ کیلوی ۱۲ تومان بود، الان ۶۰ تومان شده است تازه اگر پیدا بشود روغن مایع هم که بیشتر از سایر روغن‌ها موجود است، یک شیشه ۵ کیلونی ۹۰ تومان است. برنج ۶ کیلونی ۶ تومانی هم کیلونی ۱۵ تومان شده است."

او می‌گفت:

"وضع تولید و توزیع نسبت به گذشته هیچ تغییری نکرده است و توزیع کنندگان مواد غذایی جنس را در بازار سبزه از طریق واسطه‌ها به قیمت سرسام‌آور عرضه می‌کنند. به نظر من باید به وضع تولید توجه کرد و یک شبکه توزیع دولتی که همه اجناس را مستقیماً به بازارها بدهد، به وجود آورد."

دردهای مردم تمامی نداشت.

بیگاری، کمبود، گرانی بیداد می‌کند.

مشکل گرانی امروز مشکل تمامی مردم ماست. ما در شماره‌های آینده گوش می‌کنیم ملت‌های این مشکل را برای مردم توضیح دهیم و مانع از آن شویم که دشمنان مردم از آن سود امیرالیم آمریکا و علیه زحمتکشان بهره‌گیری کنند.

که دستم بسته است، چیزی نمی‌گویند، اذیت نمی‌کنند، حرفی نمی‌زنند."

زن زحمتکش می‌گفت:

"این بچه‌ها چه گناهی کرده‌اند این گیلاس‌ها که می‌آورند کیلونی ۳۰ تومان بگو برای کی می‌آورند؟ این انگورها که می‌آورند کیلونی ۴۰ تومان بگو برای کی می‌آورند؟ این گوشتی که می‌آورند کیلونی ۶۰ تومان بگو برای کی می‌آورند؟"

مرد راننده‌ای که یکسال بود کار کبیر نیابوده بود، می‌گفت:

"برای خرجی زن و بچه‌ها از در و همسایه‌ها پول قرض می‌کنم با این گرانی دیگر نمی‌توانم زندگی را پیش ببرم، زندگی کردن خیلی مشکل شده است."

مرد راننده می‌گفت:

"دو کلمه بنویس ما دیگر از زن و بچه‌ها خجالت می‌کشیم، دیگر رویمان نمی‌شود دست خالی به خانه برویم."

در میدان شوش همینطور که داشم با مردم صحبت می‌کردیم، بردی حلو آمد و گفت:

"آقا! تو این ملکیت هیچکس به فریاد آدم نمی‌رسد، دیگر از این

وضع تولید و توزیع نسبت به گذشته هیچ تغییری نکرده است و توزیع کنندگان مواد غذایی جنس را در بازار سبزه از طریق واسطه‌ها به قیمت سرسام‌آور عرضه می‌کنند باید یک شبکه توزیع دولتی که همه اجناس را مستقیماً به بازارها بدهد، به وجود آورد."

وضع سرسام گرفته‌ام. الان هشت ماه است که بیگارم، دست و پالم بسته است با این خرج‌گران شکم زن و بچه‌ها را نمیتوانم سپر کنم. دیگر طاقتم تمام شده است."

مرد کمی سر کرد و گفت: "همه اش دارم فکر می‌کنم که بروم دزدی، لااقل یکی می‌خوردم را می‌گیرم و می‌پرسد که چرا آمدی دزدی؟"

کارگر دیگری می‌گفت: "آقا گرانی تفصیر سرمایه‌دارها است. سرمایه‌دارها دارند روز بروز گلفت‌تر می‌شوند و ما زحمتکش‌ها روز بروز لاغرتر می‌شویم."

مرد دیگری می‌گفت:

"گرانی مردم زحمتکش را دارد زمین گیر می‌کند بی‌مردی که کارگر حمام بود می‌گفت:

"یک اتاقی اجاره کرده‌ام که باید ماهی ۵۰۰ تومان گزافه بدهم تا

بچه‌هایم بدهم." در اطراف میدان راه آهن تعدادی از مردها و زن‌ها دور ما را می‌گردد. مردی خودش را جلو می‌کشد و می‌گوید: "من چندسال عملگی کرده‌ام، چندسال در کوره‌پزخانه‌ها کار کرده‌ام، حالا هم بیگارم!"

مرد به حرفش ادامه می‌دهد که: "آقا! یک کلمه بنویسید که همه چیز "آرزو" شده است. گوشت

مشکل گرانی را دولت باید حل کند. این دستفروش‌ها هیچ تقصیری ندارند. آب از سرچشمه گل‌آلود است. وضع ما روز به روز دارد بدتر می‌شود. ما میخواهی لب نگان بدهی، می‌گویند مگر ما برای شکم انقلاب کردیم؟!"

آرزو شده، میوه آرزو شده، هوا... کارگر دیگری می‌گفت:

"کم مانده است که برای نفس کشیدن هم پول بدهیم. آدم نون این ملکیت دارد سرسام می‌گیرد تا یک کلمه هم بخواهیم حرف بزنیم، فوری برچسب ضد انقلاب را به آدم می‌چسبانند و با چماق به عرض می‌زنند."

این مرد عقاب ساختمان بود، می‌گفت:

"بهارتا بچه دارم. یکسال است که بیگارم. یعنی راستش مردم نان ندارند بخورند چه برسد به اینکه خانه‌شان را نقاشی کنند. به نظر من مشکل گرانی را دولت باید حل کند. این دستفروش‌ها هیچ تقصیری ندارند. آب از سرچشمه گل‌آلود است. وضع ما روز به روز دارد بدتر می‌شود. ما میخواهی لب نگان بدهی، و حرف بزنی، می‌گویند یعنی چی؟ مگر ما برای شکم انقلاب کردیم؟! مگر ما انقلاب کردیم که می‌خوریم؟! کسی نیست از آنها بپرسد آخر چی هست که بخوریم؟! ما اگر بتوانیم به زحمت نان دست بچه‌ها بدهیم، باز جای شکرش باقیست" به حواده رسم و در یکی از محله‌های حواده زن مانسالی برامان گفت که:

"من تو مسافرخانه ریاهی کار می‌کنم. تعطیلی هم ندارم. شوهرم سه مریض است. روزی ۴۰ تومان مزد می‌گیرم، ۶۰۰ تومان گزافه اطاق می‌دهم. گناه بچه‌ها کردن من است چون نمی‌توانم شکم‌شان را سپر کنم. خرج گران است. طفلکی‌ها خودشان می‌پهنند

س از نکال است که بهای کالاها با سرعت سرسام‌آوری بالا می‌رود. در این مدت بیشترین برقی قیمت‌ها مربوط به کالاهایی بوده است که عمده‌ترین مصارف و بیشترین مخارج زحمتکشان را بخود اختصاص می‌دهد. به همین دلیل، سنگینی طایف فرسای گرانی اساساً بر دوش زحمتکشان بوده است. صفاها روز به روز طول‌تر و طول‌تر می‌شود و در پایان هر صفا مقدار جنسی که بدست زحمتکشان می‌رسد، هر روز از روز قبل کمتر و کمتر می‌شود. علیرغم رشد ناراضی مردم، بهره‌گیری‌های ضدانقلاب از مسئله گرانی، دولت نه تنها تا کنون نتوانسته است با اتخاذ ساسی درست و اصولی، گرانی را به نفع زحمتکشان کنترل کند بلکه با سانسهای غلط بر گرانی و تورم، بر مشکلات زحمتکشان افزوده است. سانس "نان"، دولت بهای نان را به زبان زحمتکشان بالا برد و حتی بهای نان لواش از هر کلو ۲۵ ریال به ۴۰ ریال ترقی کرد. گوشت سحرزده که تارل‌ترین نوع گوشت است، اخیراً از هر کلو ۱۲ تومان به ۲۵ تومان (قیمت رسمی) یعنی حدود ۱۰۰٪ برقی کرد. در مجموع در این یکسال بطور متوسط قدرت خرید زحمتکشان به نصف تقلیل یافته است در حالیکه دستمزدها با افزایش خیلی کم و حتی نایب همراه بوده و سکاری گریبانگیر بخش وسیعی از زحمتکشان است.

برای آنکه شدت فشار گرانی بر زحمتکشان را نشان دهیم، سخنان آنان را بهترین و رساترین بیاناتی داشتم که می‌تواند مسئله گرانی و فشار آن را بر دوش زحمتکشان بطور که هست محسوس کند. در میدان راه آهن کارگر حلبی ساری می‌گفت:

"زندگی ما هم‌اکنون شده صفا، صفا گوشت، صفا نان، صفا باید، تازه گاهی اوقات بعد از چند ساعت در صفا ایستادن چیزی گیرمان نمی‌آید. باید دست از پا درازتر به خانه برگردیم"

مردم زحمتکش از شدت فشار و سختی به سک آمده‌اند و به هر کسی که برخورد می‌کنند، سردرد دلشان باز می‌شود. مردی که دوتا از پسرهایش را در راه انقلاب از دست داده بود، می‌گفت:

"آقا! زیر بار گرانی و بیگاری گمرم شکسته. هشت سرعائله دارم اجاره نشینم. زودم نمی‌رسد، نمی‌توانم یک لقمه نان دست

استقلال - کار - مسکن - آزادی

آقای رئیس جمهور!

زیر شعار "شورای شورایی"، ضد انقلاب در صنعت نفت خود را تحکیم می بخشد

سازشکار و ضد انقلابی سعی دارند با تحت فشار قرار دادن شوراهای، این ارگانهای انقلابی را تا به در چه یک مأمور اجرای حضور و غیاب (حضور و غیاب روزانه کارگران) تنزل بدهند، تا بدینوسیله نمایندگان شورا و توده کارگران را در مقابل یکدیگر قرار دهند. در برابر این توطئه جینیها شوراهای هشیارانه مقابله کردند و با تشکیل مجمع عمومی و نظر خواهی از توده کارگران ماهیت نفاق افکنانه و ضد کارگری سیاستهای لیبرالی را افشا کردند. به نحوی که روسا و مدیران ناگزیر شدند مأمورین مورد نظرشان را به

جنبین بازگشتی است. این مدیران از بعد از قیام تاکنون نه تنها به مقیاس کم سابقهای در امر تولید لطمه وارد کردهاند، بلکه همواره سعی نمودهاند که با دامن زدن به تضادهای درونی کارگران و شوراهای و انجمنهای موجود در صنعت نفت به اهداف ضد کارگری خود دست یابند. آنها از تواناییهای خود در امر مدیریت تولید و تخصصهای خود در مسایل فنی بهره می جویند تا بازم مناسبات استعماری گذشته را بر صنعت نفت حاکم گردانند. اهداف آنها متعاقباً نخواهد شد، مگر آن که موفق به تحقق

گسترش مبارزه طبقاتی هر روز ابعاد بیشتری به خود میگیرد. گسترش این مبارزه سبب فشردهتر شدن صفوف نیروهای انقلابی خواهد شد. مبارزه نیروهای انقلابی را به اتحاد عمل هر چه بیشتر بر علیه نیروهای ضدانقلاب سوق خواهد داد. چنین اتحاد عملی بر حول مبارزه با دشمن مشترک یعنی مبارزه با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا شکل خواهد گرفت. تحکیم چنین اتحاد عملی منافع استشارگران بین المللی و طبقه سرمایه دار ایران را به خطر انداخته و نتیجتاً سبب فشردهتر شدن صف نیروهای ضدانقلاب شده است. این نیروها که منافع طبقاتی خود را در خطر دیدند، در فضای جهانی به تکاپو افتادند تا بلکه بتوانند وضع گذشته را مستقر سازند. و در این مقطع از مبارزه به علت ضعف جنبش کمونیستی و عدم شکل سراسری طبقه کارگر خطر جذب ناآگاهانه بخش قابل توجهی از کارگران به کانونهای ارتجاعی و ضدانقلابی دامنه وسیعتری یافته است. بدین معنا که بخشی از کارگران به خاطر عدم درک منافع طبقاتی خود تحت تاثیر تبلیغات محافل لیبرال و جاسوس امپریالیسم امریکا در صنعت نفت قرار گرفته و ناآگاهانه صف نیروهای ضدانقلابی را تقویت می کنند.

● زیر شعارهایی نظیر "شورای شورایی" رئیس جمهور، مدیران سابق و دست پروردگان آنان بیشرمانه به تبلیغ "موهبت های" رژیم سابق پرداخته و نشریات ضدانقلابی عناصری چون بختیار را دست بدست می گردانند.

● در این مقطع از مبارزه به علت ضعف جنبش کمونیستی و عدم شکل سراسری طبقه کارگر، خطر جذب ناآگاهانه بخش قابل توجهی از کارگران به کانونهای ارتجاعی و ضدانقلابی دامنه وسیع تری یافته است.

اکثر مدیران و روسای عالی رتبه شرکت نفت که در دوران "خدمت" شان همواره مجری سیاستهای انحصارات نفتی امپریالیستی بودند، اکنون بیش از هر زمان دیگر به فعالیت خود برای بازگرداندن شرایط سابق تلاش می کنند و با برخورداری از "مزایای قانونی" شعارهای "اخلال گرانهای چون "شورای شورایی"، و به بهانه "تمرکز قدرت" و "استقرار" نظم و امنیت" از یک طرف و با بهره گیری از ضعف آگاهی کارگران و دامن زدن به تضادهای ساختگی درون آنان از طرف دیگر به اشکال مختلف به توطئه و تهاجم بر علیه شوراهای و دیگر تشکلهای مبارزاتی نفتگران دست زدند. برای کارگران تمرکز قدرت در دست مدیران خدمتگزار امپریالیسم خدمت به امپریالیسم است و نظم و امنیت مورد نظر مدیران چیزی جز ادامه استثمار و غارت امپریالیستی نیست. از این لحاظ است که کارگران شعار تمرکز قدرت به دست شوراهای و استقرار نظم و امنیت به وسیله شوراهای را شعار خود قرار داده اند.

۴- بهره برداری سازمان یافته از انواع سرپرستی ضد کارگری موجود: بهره برداری مستقیم و غیر مستقیم از تبلیغات خصمانه و زهر آکین علیه شوراهای انقلابی در خطبه های نماز جمعه، تحریکات ضد شورایی با امضای گوناگون از قبیل "کارگران انقلابی"، "کارگران مسلمان" و ... به وسیله لیبرالها و محافل ضدانقلابی وابسته به آنان، مدتهاست که به نحو سازمان یافته ای به کار گرفته شده است و هم اکنون با شدت بیشتری در حال گسترش است.

شعار "شورای شورایی" شومد. یعنی سنگرهای واقعی مبارزه ضد امپریالیستی کارگران، کارمندان (تشکلهای شورایی آنان) را غنای سارند. موارد زیر نمونه هایی از عملکردهای کینه توزانه و ضدانقلابی عناصر سازشکار و سرپرده امپریالیسم را بر علیه شوراهای (در صنعت نفت آبادان) نشان داده و خطر تهاجم روز افزون آنها را هشدار می دهد:

زیر شعارهایی نظیر "شورای شورایی" رئیس جمهور است که مدیران سابق و دست پروردگان آنان، در ساختمانهای مجلل شرکت نفت جاجوش کرده اند، و با تغذیه از بلندگوهای امپریالیستی، آشکارا و به شکلی بی شرمانه ای با وقاحت هر چه تمامتر به تبلیغ "موهبت های" رژیم سابق پرداخته و نشریات ضد انقلابی عناصر خائنی چون بختیار را دست به دست می گردانند.

۵- به راه انداختن تبلیغات ذروغین و خصمانه علیه نمایندگان واقعی کارگران، جمع آوری امضا و جعل کومار جهت انحلال شوراهای و همچنین ایجاد جو آرماب و فشار علیه این نمایندگان و مجبور کردن آنها به استعفا.

۱- روسا و مدیران سازشکار و لیبرال صنعت نفت تاکنون هیچ فرصتی را برای تضعیف و از هم پاشیدن تشکلهای کارگران از دست نداده اند. به عنوان مثال روسای پالایش شمال و پالایشگاه تهران (عباسی و شاهیده و ...) برای تفرقه افکنی بین کارگران و از بین بردن شورا، کارگران را به جلسهای دعوت کرده بودند که طی آن اعلام می کنند:

آنها می خواهند گذشتهای را بازگردانند که در آن کارگران مجبور بودند به خاطر ملاقات با یکی از همین مهره های گندیده امپریالیسم روزها پشت در اطاق هایشان بدون کمترین اعتراض انتظار بکشند، روزهایی که اینها هر وقت اراده می کردند می توانستند زندگی هر کارگری را زیر و رو و متلاشی کنند. آنها افسوس گذشتهای را می خوردند که می توانستند با حقوقهای کلان به زندگی انگلی و بی شرمانه شان مشغول باشند و ساختمانهای مجلل شرکت نفت را تبدیل به سالنهای مد کنند و یا با مترسک ساواک کارگران را وادار به تمکین در مقابل اجحافات و قبحانه خود نمایند. مار "شورای شورایی" نوید گاهنده

در این رابطه معین فر چندی پیش، بخشنامه ای برای مناطق نفت خیز ارسال داشته که در آن بر تخلیه دفاتر شوراهای در صنعت نفت تاکید نموده است. همچنین بازداشت و زندانی کردن ۳ تن از نمایندگان شورای کارگران پالایشگاه آبادان و یکی از اعضای انجمن اسلامی کارکنان صنایع نفت به دستور معین فر و با تأیید بنی صدر به نوبه خود دشمنی آشکار دیگری است با شوراهای و کارگران مبارز و انقلابی، و این یعنی در هم کوبیدن سنگرهای واقعی مبارزه ضد امپریالیستی و تقویت روز افزون محافل سازشکار و ضد انقلابی.

"ما می خواهیم به شما امتیازاتی بدهیم و شما را گرمند کنیم ولی شورا مانع از این کار می شود" که کارگران در برابر چنین اقدام توطئه آمیز و خودسرانه ای شدیداً واکنش نشان داده و طی اطلاعیه های مختلفی آن را افشا و محکوم می نمایند و باعتبار رای مجمع عمومی اعلام می کنند که:

۶- بازگرداندن ۶۹ نفر از عناصر مزدور، فاسد و ساواکی که قبلاً توسط شوراهای تصفیه و اخراج شده بودند: شوراهای (این سنگرهای واقعی مبارزه ضد امپریالیستی) ضد انقلاب را از یک یک مواضع خود عقب می راند ولی اینک لیبرالها مواضع تسخیر شده را دو دستی به امپریالیسم باز می گردانند. بازگرداندن این عناصر مزدور و ضد کارگر با توطئه و تأیید معین فر و باخوش خدمتی و کلبلی به نام مهدی رهنما (با نام مستعار دکتر حیدری که از جانب قدوسی دادستان انقلاب اسلامی نمایندگی داشته است) صورت گرفته است که این چیزی جز تقویت آشکار نفوذ و سلطه مدیریت فاسد و سازشکار و تضعیف و از هم پاشیدن هر چه بیشتر شوراهای نیست.

۲- تشکیل مجمع عمومی از طرف شوراهای همواره خشم و غضب روسا و مدیران و محافل سازشکار و لیبرال صنعت نفت را برانگیخته است، زیرا مجمع عمومی شوراهای در اغلب موارد به جلسات افشاگری و محاکمه سازشکاران و سیاستهای ضد کارگری و لیبرالی آنان مبدل می شود. مثلاً همین اواخر وقتی که کارگران قسمت ابزار دقیق (C.I.S) پالایشگاه آبادان اعلام تشکیل مجمع عمومی کردند، مدیران و مهندسی عالی رتبه به انواع کارشکنیها و تهمت ها ("اخلالگری"، "کم کاری" و ...) و حتی خط و نشان کشیدن های بی شرمانه متوسل شدند تا مانع از اجتماع کارگران شوند ولی علیرغم این تشبثات، مجمع عمومی شورا با استقبال یکبارچه کارگران تشکیل شد و توطئه ضد شورایی و ضد کارگری لیبرالها را بی اثر کرد.

بنی صدر از هنگام احراز پست ریاست جمهوری اش تاکنون حتی یک کلمه هم در تأیید شوراهای و عملکرد ضد امپریالیستی آن بر زبان نرانده و تا آنجا که بقیه در صفحه ۱۲

۳- توطئه تبدیل شور به عامل اجرائی سیاستهای سازشکارانه و لیبرالی: محافل

خبرنامه ۲۶ مهیاد

چرا گروگان ها را آزاد کردیم؟

آنها بازگو نمایند. چنین شومای به هیچ وجه ناشی از ضعف ما نیست. بلکه دلیل محکمی است بر حقانیت مبارزه عادلانه خلق ما، ما باید بتوانیم حقایق اوضاع را با مردم ایران در میان بگذاریم. باید در جلب پشتیبانی آنها به سود جنبش تلاش کنیم. باید نشان دهیم علیرغم محاصره اقتصادی و ادامه بمباران شهرها و روستاها خلق کرد با کسانی که ناآگاهانه به جنگ علیه خلق ما فرستاده شدهاند سر دشمنی ندارد. ما ایمان داریم که این عمل از جانب مردم ایران مورد پشتیبانی قرار میگیرد و دلیل قاطعی است بر حقانیت و حسن نیت ما. در حالی که انتقام جویی و سیاست گروگان کشی در شرایطی که اکثریت مردم نسبت به حقایق امور کردستان ناآگاه ماندهاند بر روی آنها تاثیر نا مطلوب بر جای میگذارد. ما بیش از هر چیز به جلب حمایت مردم ایران نیازمندیم و معتقدیم که آزادی گروگانها به تحکیم پیوند میان خلق کرد و سایر مردم ایران باری رسانده و صلح طلبی خلق کرد را در عمل نشان می دهد

طرفداران گسترش جنگ بهترین راه را مقابله به مثل بدانند؟! ما چنین شومای را از اساس مردود می شناسیم و به عنوان یک نیروی انقلابی نمی توانیم به شیوه جنگ افروزان و مرتجعین

و دیوانه دره و بسیاری از نقاط دیگر از سکنه خالی شده و هر روز بر آوارگی مردم ما افزوده می شود. در روزهای گذشته در شاهین دژ تعدادی از رفقای ما در اثر تشدید خصومت میان کرد و ترک

نموده و آنها امکان یافتند زیر پوشش دروغین دفاع از حقوق خلق کرد اهداف پلید خود را عملی نمایند. وجود این موقعیت در کردستان امکان دستیابی به یک راه حل اصولی و منطقی را هر روز پیچیده تر و مشکل تر ساخته است و فضای تیرماری در مناسبات فی مابین ایجاد نموده... بدین لحاظ ما وظیفه انقلابی خود می دانیم علیرغم تمامی موانع و مشکلات در ایجاد شرایط مساعد به خاطر برقراری صلح در کردستان تلاش نمائیم و آزادی گروگانها را اقدامی مثبت در این راه می دانیم.

سازمان جریکهای فدائی خلق ایران در ادامه تلاشهای خود جهت پایان بخشیدن به جنگ برادرکشی در کردستان، تعدادی از گروگانهای درگیریهای اخیر کردستان را آزاد نمود. ما اعتقاد داریم که آزادی گروگانها به ایجاد شرایط لازم جهت حل مسالمت آمیز مسئله کردستان باری می رساند و گامی است در اثبات حقانیت خواستهای عادلانه خلق کرد.

● ما اعتقاد داریم که آزادی گروگانها به ایجاد شرایط لازم جهت حل مسالمت آمیز مسئله کردستان باری می رساند و گامی است در اثبات حقانیت خواستهای عادلانه خلق کرد!

● ما وظیفه انقلابی خود می دانیم علیرغم تمامی موانع و مشکلات در ایجاد شرایط مساعد به خاطر برقراری صلح در کردستان تلاش نمائیم و آزادی گروگانها را اقدامی مثبت در این راه می دانیم.

ما در شرایطی گروگانها را بدون قید و شرط آزاد می نمائیم که جنگ برادرکشی در کردستان همچنان ادامه دارد. در نتیجه ادامه سیاست لشکرکشی از جانب هیئت حاکمه بسیاری از روستاهای منطقه اشوره، بانه

سازمان ما ضمن اعتقاد راسخ به تامین حقوق عادلانه خلق کرد، گسترش جنگ و مخاصمات موجود را به سود خلق کرد و سایر مردم ایران نمی داند. ما امروز شاهدیم که در نتیجه ادامه جنگ برادرکشی در کردستان به خصومت و دشمنی خلق کرد و سایر خلقهای ایران دامن زده شده. از جانب دیگر ادامه محاصره اقتصادی و جنگ زمینه را وسما برای رشد نیروهای ضد انقلاب در منطقه فراهم

بدون هیچ مجوزی دستگیر شدهاند و در زندان به حالت اعتصاب غذا به سر می برند. بهترین رفقای ما همراه با تعدادی دیگری از فرزندان خلق کرد در سجنج تیرباران شدند. در چنین شرایطی شاید

روش انتقام جویانه و مقابله به مثل را در پیش گیریم. همواره به رفقای خود آموختیم با افراد زندانی روابطی انسانی داشته باشند و از هرگونه اهانت نسبت بدانها بپرهیزند و واقفیت جنگ تحمیلی کنونی را برای

تصحیح خبر
جیحون آباد گرومانشاه
در "کار" شماره ۵۸ در صفحه ۱۲ مطلبی درباره قتل دو تن از ساکنین روستای جیحون آباد درج شده است. که ضمن پوزش به شرح زیر تصحیح می گردد.
۱- حقمیراد ایمانی "فتودال" نیست بلکه زمینهای او متعلق به خانگی به نام دولتشاهی بوده که ایمانی تا قبل از قیام به او اجازه می پرداخته است.
۲- قتل بیگتری شخصی نیست که توسط چه کسانی صورت گرفته و شرکت ایمانی در این قتل محرز نیست و اهالی روستا معتقدند که این جنایت کار ایمانی نبوده است.
۳- دادگاه قاتل ابرج سربری را فردی به نام کریمی تشخیص داده که رابطه او با ایمانی معلوم نشده است.

اسامی افراد آزاد شده بدین شرح است:
۱- استوار دوم سمود فاضلی
۲- سرباز وظیفه بیژن فتعی
۳- سرباز وظیفه محمد محمودی
۴- سرباز وظیفه علیرضا حق شناس
۵- گروهان دوم درمحمد باج
۶- سرباز وظیفه علی اکبر غنچه
۷- ستوان دوم عبدالله قلعی
۸- گروهان یکم حسین زراری
۹- گروهان یکم محمود تاسه
۱۰- استوار دوم انوشیروان بهرامی
۱۱- گروهان دوم انور خدا ناصری
۱۲- ستوان دوم صدیق رسولی
۱۳- سرباز وظیفه ماشه الله فهیمی
۱۴- گروهان یکم عزیز بایرامی
۱۵- روهبان یکم منصور آقا بازاده
۱۶- گروهان دوم حسین معتدل
۱۷- گروهان دوم صادق طکی
بقیه در صفحه ۱۲

قاطعانه حمایت کرده و شدیداً مخالف تمام شیوههای انتقام جویانه ای است که نتیجه ای جز گسترش هر چه بیشتر جنگ برادرکشی ندارد. سازمان ما علیرغم شرایط نامساعدی که به واسطه گسترش جنگ از جانب دولت جمهوری اسلامی به وجود آمده از هیچ کوششی به خاطر برقراری صلح در کردستان کوتاهی نخواهد نمود. بدین لحاظ آزادی کسانی که به جنگ تحمیلی با خلق کرد فرستاده شدهاند را گامی مثبت جهت اهداف فوق الذکر می دانیم و امیدواریم که تلاشهای ما از جانب مردم مبارز ایران و همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه و مقامات مسئول جمهوری اسلامی مورد پشتیبانی و تأیید قرار گیرد ما در آینده نزدیک تمام گروگانهایی را که در اختیار سازمان ما می باشد آزاد خواهیم کرد.

اطلاعیه شاخه کردستان درباره آزادی گروگانها
سازمان جریکهای فدائی خلق ایران در ادامه تلاشهای خود جهت پایان بخشیدن به جنگ برادرکشی در کردستان و تامین حقوق حقه خلق کرد در چارچوب جمهوری اسلامی ایران تعدادی از گروگانهای درگیریهای اخیر کردستان را که در اختیار این سازمان می باشد آزاد می نماید. سازمان ما بر این اعتقاد است که مسئله کردستان راه حل نظامی ندارد و کسانی که امروز تلاش می کنند با ادامه سیاست لشکر کشی مسئله کردستان را فیصله بخشند تنها به ادامه جنگ برادرکشی تشدید خصومت میان خلقهای ایران و تضعیف مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک مردم میهنشان کمک

می کنند. ما از دولت جمهوری اسلامی ایران و شخص رئیس جمهور مصرانه می خواهیم با پایان بخشیدن به محاصره اقتصادی کردستان، اعلام آتش بس در تمامی جبههها و پذیرش رسمی اصول خود مختاری کردستان شرایط لازم را جهت برقراری صلح در منطقه فراهم آورند. پشتیبانی از تلاشهای صلح آمیز نیروهای سیاسی مسئول در کردستان وظیفه همه کسانی است که نگران سرنوشت انقلاب شکوهمند مردم ایران می باشند و دشمن اصلی خلقهای ما را امپریالیسم جنایتکار آمریکا می دانند. سازمان ما به سهم خود از هر تلاشی در این زمینه

سر کوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

تجربه مبارزه با رژیم پهلوی



تجربه "باترود ماه مبارزه دهقانان ترکمن صحرا در خدمت ارتقاء
حش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای سراسر ایران

(قسمت دوم)

غاصب باشد) عملاً به حمایت از زمینداران بزرگ می پرداختند. لیکن فشار توده‌ها، عملکرد فعال ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا در جهت جلوگیری از درگیری، تعادلهای درونی هیئت حاکمه و وضعیت ناسامان ارگان‌های آن مانع از این شد که جنگ وسیع دیگری در منطقه شعله ور شود. بر چنین زمینه‌ای نمایندگان رحمتکشان ترکمن صحرا در مذاکره با مسئولین وزارت کشور و وزارت کشاورزی موفق شدند ۲۰٪ کل محصولات را به شوراهای اختصاص دهند. ۸۰٪ بقیه به زمینداران تعلق می‌گرفت. در مورد زمینهای که مالکین آن متواری و یا معدوم شده بودند، قرار بر این شد که سهم مالک به دولت اختصاص یابد. لیکن در بعضی نقاط رحمتکشان طالب آن بودند که چیزی ستر از ۲۰٪ محصول را به خود اختصاص دهند و همین امر موجب بروز درگیری‌های با هیئت حاکمه شد.

چگونگی تقسیم ۲۰٪ محصول زمین‌های مصادره شده، در دوران خود شوراهای نیر به سارزه اقتدار و طبقات مختلف دامن زد. در اکثر شوراهای دهقانان مرفه به دنبال سود خود بودند. این مسئله و نیز سازشکاری آنان با زمینداران بزرگ و کلا سهم بزرگی آنها از ۲۰٪ محصول مورد اعتراض روستائیان

تاکید اساسی بر اتخاذ تاکتیکهایی بود که تا حد امکان، جنگ افروزی حاکمیت و تحریکات و اقدامات زمینداران را مهار نماید تا نیروهای طی یک دوره تدارک، فرصت بیابند. مبارزات توده‌ها را هرچه بیشتر سازماندهی کنند و جنبه طبقاتی آن را تعمیق ببرند.

بسی زمین و کم زمین قرار گرفت و عملاً مشکلات حادی را در برابر شوراهای فرار داد. تحت تاثیر این اوج گیری مبارزه بین طبقات، ستاد شعار تصفیه شوراهای را مطرح نمود و به انکار نیروی روستائیان کم زمین و بی‌زمین و در حراب یک انتقادات دمکراتیک، عملاً در جهت کنترل شوراهای توسط پائین ترین اقشار روستائی و جانشین ساختن آنان بحای دهقانان مرفه و سیمه مرفه در شوراهای حرکت نمود. به این ترتیب خط و مرز بین طبقات چه در درون شورا و چه در کلیت رحمتکشان از وضوح و روشنی بیشتری برخوردار شد. شوراهای با وجود آنکه عملاً پائین ترین اقشار روستائی را نمایندگی می‌کردند، لیکن به علت سطح آگاهی نازل این اقشار، فقدان حداقل سواد خواندن و نوشتن در آنها و نیز تحت تاثیر بازه‌های گرایش سنی و طایفه‌ای در رابطه با عناصر صاحب بقیه در صفحه ۹

دوره می‌بایست از اتخاذ حرکات تحریک آمیز اجتناب می‌شد. بر همین راستا، نقش ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا نیز مورد ارزیابی مجدد قرار گرفت. وضعیت ستاد در منطقه و قدرت عظیم توده‌های آن، همواره آن را در معرض بورش و سرکوب حاکمیت قرار میداد. لذا تصمیم بر آن شد که بدون خدشه دار کردن نقش سازماندهی و تجهیز کننده آن تا حد ممکن انجام وظایف را شوراهای بر عهده بگیرند. مطابق این تصمیم ستاد، نقش زمینه ساز حرکات شوراها را بازی می‌کرد. تا جایی جمع سعی فعالیتهای ستاد در سطحی گسترده تر آغاز گردید. این کار مسئولین ستاد با آمادگی و نظم بیشتری به وظائف خوش حاشیه عمل می‌پوشانیدند. شوراهای ملاک و میزان آمادگی رحمتکشان و حرکات خوداکیمنه آنان در جهت مصادره زمینهای زمینداران بزرگ، یکی پس از دیگری به وجود می‌آمد. در این میان مصادره زمینهای همه زمینداران بزرگ اعم از بومی و غیر بومی در دستور کار شوراهای قرار گرفت.

نخست تمام زمینهای بالاتر از ۵۰۰ هکتار توسط رحمتکشان مصادره شدند. مبارزه طبقاتی بدینال این موج نوی فعالیت، عمق و گسترش تازه‌ای یافت. (اول خرداد تا آخر تیرماه) مجدداً سائل حادی مطرح گردید. از یکسو زمینداران بزرگ و موامشان با انواع دسیسه‌ها در پی جنگ افروزی بودند و از سوی دیگر نفوذ و قدرت توده‌های ستاد و نیز تشبیه شوراهای در ادهان مردم که در صورت برداشت موفقیت آمیز محصول هرچه بیشتر در دل رحمتکشان جای میگرفت، حاکمیت و ارگان‌های آن را در موضع تهاجم و سرکوب قرار می‌داد. در چنین شرایطی درجه تشکل و آگاهی رحمتکشان و تعادل نیروهای طبقاتی در درون شوراهای و نیز وضع جغرافیائی منطقه لزوم اجتناب از درگیری را هرچه بیشتر مطرح می‌نمود. شوراهای از نظر سیاسی عملاً آسیب پذیر بودند.

در این شرایط، درگیری به هیچوجه به نفع گسترش مبارزات رحمتکشان تمام نمیشد. لیکن علیرغم تمامی کوشش رفقای ترکمن در جهت اختیار از درگیری به هنگام برداشت محصول اصطکاکات موضعی پدید آمد. ستاد با زمینداران بزرگ و با پاهای ن. مسووزرحمتکشان از سوی دیگر به سعی در درگیری‌های مسلحانه، بپوشید.

حاکمیت فصح داشت تمام محصول زمینها را تصاحب کند. ارگان‌های حکومتی با طرح شعار "الزرع للزارع ولوکان فاصبا" (محصول از آن کسی است که آن را کاشته است حتی اگر

و نیز از رسوخ ایده‌های انحرافی در ادهان آنها جلوگیری نماید. برکن صحرا تجربه‌های عظیم و شکست آسز بود تجربه‌های نوپسچیده و ستاد پر شرایطی این تجربه را از سر می‌گذراند که کل جنبش و همچنین سازمان با مشکلات و سائل متعددی دست به گریبان بود. این وضعیت در بطن خود مشکلات عظیمی را به همراه داشت. باید گذشته از زاویه راهبایی آینده به نقد گذشته

مشت. ضربات ناشی از جنگ هرچند اجتناب ناپذیر بود، لیکن مسئولین ستاد و کانون را بر آن داشت تا به

ضربات ناشی از جنگ اول ترکمن صحرا هرچند اجتناب ناپذیر بود، لیکن مسئولین "ستاد مرکزی شوراهای" و "کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن" را بر آن داشت تا به ارزیابی جدی عملکرد خود در منطقه بنشینند و اثرات حرکاتشان را به نقد بکشند. در این ارزیابی تنها و تنها یک چیز می‌بایست مبنای ملاک تصمیم گیری و قضاوت باشد و آن منافع و مصالح مبارزه طبقاتی طبقه کارگر و میزان تاثیر وقایع ترکمن صحرا بر پیشبرد مبارزات این طبقه در سراسر ایران بود.

ارزیابی جدی عملکرد خود در منطقه بنشینند و اثرات حرکاتشان را به نقد بکشند. در این ارزیابی تنها و تنها یک چیز می‌بایست مبنای ملاک تصمیم گیری و قضاوت باشد و آن منافع و مصالح طبقه کارگر و میزان تاثیر وقایع ترکمن صحرا بر پیشبرد مبارزات این طبقه در سراسر ایران بود. این ارزیابی در این زمینه صورت گرفت. نظرات و پیشنهادات گوناگون مطرح شد و سراحام نیروها به این نتیجه رسیدند که حاکمیت اعمال شده توسط رحمتکشان تشکل در شوراهای، در پروسه بطور اجتناب ناپذیر به تعارض و تقابل با حاکمیت خواهد انجامید. مطابق جمع بندی‌ها، شوراهای ترکمن صحرا می‌بایست بعنوان ارگان پیشبرنده مبارزات رحمتکشان مورد تاکید قرار گیرند. در آن مقطع اعتقاد بر این بود که سازماندهی و پیشبرد جنبش دمکراتیک خلقها با توجه به مضمون طبقاتی و ملی آن و ارتباط بین جنبش دمکراتیک و مبارزات طبقه کارگر، نقش برجسته‌ای در سازماندهی فشار از پائین تعمیق دمکراسی با انکار به توده‌ها و تشکلات ایجاد فضائی مناسب برای تشکل هرچه بیشتر و سریع تر طبقه کارگر خواهد داشت تا اینجهه تاکید اساسی بر اتحاد تاکتیکهایی بود که تا حد امکان جنگ افروزی حاکمیت و تحریکات و اقدامات زمینداران را مهار نماید تا نیروهای طی یک دوره تدارک، فرصت بیابند مبارزات توده‌ها را هرچه بیشتر سازماندهی کنند و جنبه طبقاتی آن را تعمیق ببرند. از نظر تاکتیک در این

از فروردین ۵۸ تا جنگ تحمیلی بهمن ماه

الف - پروژه انتقاد و تصحیح خطا در رابطه با جنگ اول و تعمیق و گسترش مبارزه طبقاتی

جنگ گند به مدت ۹ رور ادامه یافت و با هوشیاری و اتحاد تاکتیک اصلی از سوی سازمان جریکهای فدائی خلق ایران - به موقع مهار گردید و به قیمت جان حدود پنجاه شهید خلقی ترکمن و در حالیکه زمینداران بزرگ

به کمک انادی خود و نیز عناصر مرتجع و نقابان رژیم گذشته، قصد داشتند هر چه بیشتر جنگ را دامن بزنند، آتش پس برقرار شد. تلاش سازمان "ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا" و "کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن" به منظور جلوگیری از ادامه جنگ بر اعتبار مدائشان خلقی امروز و آنان را مصفا با رنگی و آرماسهای رحمتکشان ترکمن صحرا پیوند داد.

خلق ترکمن از جنگ تحمیلی فروردین ماه با احساس بهروری بیرون آمد و به همین علت حاکمیت خویش را در ستاد مرکزی شورا و "کانون فرهنگی، سیاسی خلق ترکمن" متحلی می‌دید. در این میان شوراهای روستائی علیرغم انکارشان به توده‌ها و از آنجا که مدب ریادی از آغاز مبارزاتشان می‌گذشت، خود را واسنه "ستاد" علمی می‌کردند و حجاب خویش را در رابطه با وجود با عدم "ستاد" مورد ارزیابی قرار می‌دادند. توده‌های ترکمن به سوی "ستاد" و "سازمان" روآور شدند. این امر ستاد مرکزی را با وظائف و مسئولیتهای خطیری که به هیچوجه در حد توان و ظرفیت کادریهای کم تجربه و جوان آن سود مواحه ساخت. "ستاد" در قلم توده‌ها ریشه دوانیده بود. این حاصل مبارزات توده‌ها و شرکت فعال ستاد در سازماندهی مبارزات آنها بود. لیکن سرورنی عظیم و با تجربه مورد نیاز بود تا به گونه‌ای اصولی این تشکل مبارزات رحمتکشان را پیش برد. از انوربه ستاد برای سپهر توده‌ها استفاده کند

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی نظامی، و فرهنگی



بقیه از صفحه ۸

از تجربه مبارزات زحمتکشان...

نمود هنوزم دهقانان میانمال را در بر می گرفتند.

ب- زحمتکشان "زابلی" و "بلوچ" به سوی "ستاد مرکزی شوراهای" روی می آورند.

بدست آوردن ۲۰٪ از محصولات زمینهای زمینداران بزرگ و نیز شکلگیری چشم انداز مصادره کامل زمینهای محدود روستاها توسط شوراهای زحمتکشان ترکمن صحرا را هرچه بیشتر به ضرورت شکل و یکپارچگی و حفظ دستاوردهای مبارزاتی آنها آگاه می نمود تحت تاثیر پیروزیهای فوق زحمتکشان زابلی - نیز که بنا به دلایلی که فوفا برشمرديم، از مبارزات دهقانی منطقه عقب مانده بودند. به ستاد سراسری روی آور شدند. آنها که می دیدند چگونه زحمتکشان مشکل در شوراهای موفق شده اند با مبارزات خویش ۲۰٪ از محصول را مصادره نمایند به ستاد مرکزی مراجعه می کردند و در زمینه شکل شورایی خویش از آن باری می جستند. ستاد مرکزی نیز بدون کترین وقفه به همکاری با آنان پرداخت و اقدام به نظارت بر تشکیل شوراهای آنان نمود و زمینه را برای گرفتن ۲۰٪ محصول از صاحبان و مالکین مزارع مکانیزه فراهم ساخت.

در بسیاری از نقاط زحمتکشان زابلی و بلوچ ۲۰٪ محصول را در مابست داشتند و در مواردی هم به میزان کمتر از این مقدار رضایت دادند.

کته قابل توجه اینکه شکل شورایی زحمتکشان زابلی که عمدتاً روی زمینهای سازمانهای زراعی کار می کردند، به علت سطح پایین آگاهی آنها و فشار بیش از اندازه زمینداران بزرگ، حفظ روابط فئودالی و پدسالاری و متابعت بدون چون و چرائی که حاصل فقر و بیکاری شدیدشان بود، بسیار کندتر از حرکات انقلابی زحمتکشان ترکمن پیش می رفت. اینان به علت استاندارد پایین زندگی در سیستان و بلوچستان همواره در قبال کارهای شاق به سهمی بسیار کمتر از آنچه که محولاً زحمتکشان ترکمن طلب می کردند، راضی می شدند. این تفاوت از یکسو و مطلقاً زمینداران بزرگ و ارگانهای نظیر جبهه سازندگی و سپاه پاسداران که تبلیغات وسیعی را علیه ستاد مرکزی شوراهای در پیش گرفته و هرگونه همکاری با آن را جرم تلقی می کردند از سوی دیگر، زحمتکشان زابلی و بلوچ را تحت تاثیر قرار داده و در حرکات مبارزاتی شان و نیز در میزان نزدیکی آنها به ستاد مرکزی موثر می افتاد. سپاه پاسداران و سایر ارگانهای دولتی همواره سعی می کردند با وعده اصلاحات، زحمتکشان زابلی و بلوچ را در برابر زحمتکشان ترکمن قرار دهند. اختلافات بین ترکمنها و زابلیها و بلوچها بر سر تعیین محدوده اراضی و نیز آثار اعمال نفاق افکنانه رژیم گذشته، بستر مناسبی برای حرکات طرف افکن ارگانهای حکومتی فراهم

می آورد. آنها از هیچ اقدامی برای جدا کردن صفوف زحمتکشان که همه با یک دشمن مشترک - زمینداران بزرگ - رو در رو بودند، فروگذار نمی کردند. هدف آنها نیز تنها و تنها یک چیز بود و آن تضعیف ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و از این طریق جلوگیری از تداوم مبارزات زحمتکشان به منظور مصادره زمینها و شکل شورایی آنها بود لیکن علیرغم همه سنگ اندازیهای حاکمیت، ستاد مرکزی موفق شد زمینههای مناسبی برای تحکیم وحدت زحمتکشان طبقاتی مختلف فراهم آورد و تضادهای بین آنان را تا حدودی تخفیف دهد. تبدیل شمار سهم زحمتکشان زابلی از یک سوم محصول به شمار پنجم بری به میزان نصف محصولات و نیز تبلیغات وسیعی که در این زمینه در تابستان سال ۵۸ توسط ستاد صورت گرفت، اعتماد این بخش از زحمتکشان را به ستاد مرکزی هرچه افزون تر ساخت. تظاهرات زابلیها در جهت تحقق شعار فوق تجلی بارز این نزدیکی روز افزون بود.

کشت زمینها در پائیز سال ۵۸ نقطه عطفی در روابط ستاد مرکزی زابلیها بود. در این مقطع زحمتکشان زابلی تحت تاثیر اقدامات انقلابی شوراهای تمام زمینهای زراعی محدود روستاهای خود را مصادره کرده بودند. چه در چهارچوب شوراهای مشترک با "تراکه" و چه در شوراهای مستقل خود به امر مصادره زمینها و اداره شورایی آنها اقدام کردند. مسئله عمده در این مرحله از مبارزات دهقانان ترکمن صحرا تعیین محدوده سازمانهای زراعی "روستا" ها و نیز ادغام زحمتکشان ترکمن و عمدتاً دهقانان مابین حال بر زمینهای بود که توسط زابلیها مصادره می شد. مسئله بدین گونه بود که زمینهای آن در اطراف روستای "الف" واقع شده بود. ۵۰ خانوار زابلی

می کردند در صورتی که مجموعه خانوارهای ترکمن ۲۰۰ خانوار همگی روی هزار هکتار فعالیت نداشتند و می بایست بطور مساوی بین آنان تقسیم شود. این تضادات به اشکال متنوعی در نقاط مختلف تجلی می یافت. ارزیابی اختلافات فوق که گهگاه به صورت حادی زحمتکشان را رو در رو می قرار می داد و زمینداران بزرگ سعی می کردند به آن ایجاد هرچه وسیع تر ببخشند. به این نتیجه منجر شد که گویا علت را می بایست در برخورد غیر اصولی شوراهای تراکه، زیاده خواهی آنها و گرایشات طبقاتی شان جستجو کرد. بر همین اساس مسئولین ستاد مرکزی

سپاه پاسداران و سایر ارگانهای دولتی همواره سعی می کردند با وعده اصلاحات، زحمتکشان زابلی و بلوچ را در برابر زحمتکشان ترکمن قرار دهند.

شمار تشکیل شوراهای مشترک و همکاری زحمتکشان طبقاتی مختلف در چهارچوب این شوراهای را فرا راه خود قرار دادند و بیکرانه در جهت تحقق آن تلاش نمودند. شوراهای مشترک چندی تشکیل شد. در ابتدا تصور می رفت که اختلافات موجود بین زحمتکشان با مشاوره و همفکری صرف تخفیف خواهد یافت و زمینه تحرکات از میان برداشته خواهد شد ولی علیرغم تلاش شبانه روزی مسئولین ستاد در این زمینه، شوراهای مشترک نواام چندانی نیافت و اختلافات به قوت خود باقی ماند. جالب اینکه در تمام موارد اختلافات زحمتکشان زابلی نیز با مراجعه به ستاد و از طریق آن حل و فصل می گردید. این امر به خوبی نشانه پذیرش نقش و اهمیت و کارایی ستاد مرکزی توسط زحمتکشان زابلی بود. به مندرت دیده شد که این اختلافات به مراجع دولتی ارجاع گردد. در این مورد نمی بایست فراموش کرد که تراکه نیز به هیچوجه حاضر نبودند اختلافاتشان را در ارگانهای حکومتی مطرح کنند. مراجعه

در ابتدا تصور می شد که اختلافات زحمتکشان زابلی و بلوچ با زحمتکشان ترکمن با مشاوره و همفکری صرف حل خواهد شد و زمینه تحرکات زمینداران بزرگ و ارگانهای دولتی به این ترتیب از میان برداشته خواهد شد ولی علیرغم تلاش بود، دوام چندانی نیافت و اختلافات به قوت خود باقی ماند. بررسی دقیق تر واقعات نشان داد که این اختلافات منشأ گاملاً طبقاتی دارند. علت اساسی می بایست در ترکیب طبقاتی ناممکن شوراهای روستایی زحمتکشان ترکمن جستجو می شد. این امر بیکار دیگر لزوم تصفیه شوراهای و تصحیح عملکرد طبقاتی آن را در دستور کار قرار داد.

سکونت داشتند و یک هزار هکتار زمین را مصادره کرده بودند. از سوی دیگر شورای روستای معاوی که ساکنین آن را ۲۰۰ خانوار ترکمن نشین تشکیل می دادند و مجموعاً هزار هکتار زمین مصادره شده را در اختیار گرفته بودند، خواستار تشکیل شورای مشترک با متابعت زابلیها از شورای تراکه و کشت شورایی تمامی ۲ هزار هکتار زمین و در نتیجه تقسیم مساوی آن بین ۲۵۰ خانوار می شدند. به این ترتیب ۵۰ خانوار زابلی مستقلاً روی هزار هکتار زمین کار

شراپلی زمینداران بزرگ و سازمانهای حکومتی تلاش بسیار داشتند که ارگانهای اصلاحی به اصطلاح وابسته به زحمتکشان زابلی و بلوچ، جدا از شکلهای شورایی تراکه بوجود آورند: "جمعیتهای سیستانیهای ترکمن صحرا"، "جمعیت زحمتکشان زابلی و بلوچ"، "انجمن اسلامی سیستانیهای طبیم گنبد" و... که هر یک چند روزی بیشتر نواام نیاوردند. نمونه ای از این تلاش مذبحوحانه بود که جز ایجاد تفرقه در صفوف زحمتکشان و تشدید تضادهای دیون خلقی هدفی در پیش رو نداشت. بررسی دقیق تر مسئله زحمتکشان زابلی و ترکمن نشان داد که این اختلافات منشأ گاملاً طبقاتی دارد. دقت در واقعات امور نشان داد که روستائیان فقیر ترکمن با زحمتکشان زابلی که در وضعیت طبقاتی مناسبی قرار داشتند، مدتیهات که در دیون شوراهای مشترک، به کمک یکدیگر مبارزه برای مصادره و تولید را پیش می بردند و اختلافات آنها بسیار ناچیز و قابل اغماض است. این دوگانگی یعنی وجود شوراهای مشترک در مناطقی که زحمتکشان ترکمن و زابلی در یک روستا سکونت داشتند، از طرفی و وجود اختلافات حاد بین شوراهای زحمتکشان ترکمن و زابلی در مناطق دیگری که زابلیها در سازمانهای زراعی محدود روستاها سکونت داشتند از طرف دیگر مشخص نمود که علت اساسی اختلافات فوق ترکیب طبقاتی ناممکن شوراهای روستایی زحمتکشان ترکمن است. واقعتاً این بود که دهقانان مابین حال که خود به علت سواد خواندن و نوشتن ناآشنائی و تناس مداوم با شهر و ستاد، نقش بزرگی در افزایش کارایی شوراهای داشتند. عامل اصلی این اختلافات بودند. اختلافاتی که منشأ گاملاً طبقاتی داشت عناصر فوق در دیون شوراهای خواهان محدودیت هرچه بیشتر سهم زحمتکشان زابلی به نفع شوراهای تراکه بوده و به عنوانی مختلف: استفاده از گرایشات طبقاتی زحمتکشان ترکمن و تاکید بر مواظبت نظیر مالکیت آب و اجدادی بر زمینهای زحمتکشان زابلی بر روی آنها کار می کردند. باعث ایجاد تفرقه و شکلگیری طاوت زابلیها می شدند و از این طریق زمینه مناسبی برای سوء استفاده ارگانهای حاکمیت و زمینداران بزرگ فراهم می آوردند. این امر بیکار دیگر تصفیه شوراهای را در دستور کار قرار داد. رشد و تعمیق مبارزه طبقاتی نیز تا این مقطع زمینه مادی مناسب تحقق این شعار را فراهم کرده و در واقع خود روستائیان فقیر امر تصفیه شوراهای را آغاز کرده بودند و بروسه جایگزینی اقتدار با پیشی روستائیان بجای اقتدار مرفه و نیمه مرفه به گونه ای خود انگیخت در حال طی شدن بود. مشکل عمده در این زمینه، سطح آگاهی نازل روستائیان کم زمین و بی زمین بود که وجود دهقانان میانمال را برای اداره امر شوراهای الزامی می ساخت.

این مسئله مختص مناطقی بود که زحمتکشان زابلی یا بلوچ در شوراهای مشترک با تراکه حرکت نداشتند.

ادامه دارد

با امپریالیسم جهانی بسر کرد گسسی امپریالیسم امریکا

کارگران هما:

از شوراهای پاسداری کنیم، کارگران انقلابی را به سرکار بازگردانیم!

پس از آنکه شورای کارگری هوایمائی ملی ایران (هما) به وسیله فراخی (مدیرعامل منتصب شورای انقلاب) غیر قانونی اعلام شد و به دنبال آن زمینه "مساعد" جهت اخراج تدریجی چند تن از کارگران و کارکنان مبارز (طی ماههای اخیر) فراهم آمد، سرانجام در هفته گذشته حق مسکن کارگران نیز به وسیله همان عناصر قطع گردید یعنی بخشی از حقوق کارگران پایمال شد. قطع حق مسکن کارگران به وسیله فراخی و با تصویب "شورای انقلاب" در شرایطی صورت میگیرد که شکاف بین درآمد و حقوق کارگران با هزینههای روزافزون زندگی روز بروز بیشتر می شود و قدرت خرید واقعی کارگران مدام رو به کاهش دارد. مادامی که دولت در جهت حل مشکل مسکن کارگران و همچنین تثبیت سطح قیمت ها و کنترل تورم افسارگرفته موجود کام موثری برنداشته است، کاهش حقوق و قدرت خرید کارگران نمی تواند هیچگونه توجیهی داشته باشد. البته شورای

انقلاب ظاهرا در توجیه این تصمیم به دلایلی از قبیل کسر بودجه دولت و مشکلات ناشی از محاصره اقتصادی کشور متوسل شده است. مشکلات ناشی از محاصره اقتصادی واقعیتی است و مبارزه برای درهم شکستن این محاصره نیز بدون تردید با فداکاری همه مردم و با تحمل سختی ها و فشارهایی از این بیشتر نیز همراه خواهد بود ولی منطق سیاست کارگری حاکمیت غیر از این است. این سیاست فشار ناشی از شرایط محاصره را اساسا بر دوش کارگران و زحمتکشان می اندازد و به ویژه طبقه کارگر را بیش از پیش به تنگنا می افکند. کارگران مبارز و آگاه

هوایمائی ملی ایران، طی اعلامیه ای که در رابطه با انحلال شورا و قطع حق مسکن داده اند، با درک مسئولانه از وظایف خود و با هشدار درباره نتایج سیاست های ضدکارگری و ضد شورائی حاکمیت چنین نوشته اند: "ما به دولت قویا هشدار می دهیم که عواقب این نوع سیاست های ضد کارگری و ضد شورائی اش به جای تحکیم صفوف مردم باعث تقویت عمال امپریالیسم در کشورمان می شود، ما شواهدی در دست داریم که در این شرکت (هما) دوستان که نوکران امپریالیسم که اغلب در سطح مدیریت

پراکنده اند در مقابل اعمال این سیاست های دولت، ظاهرا خود را دلسوز کارگران نشان داده و حتی به همزبانی با خواست های اعتراضی کارگران می پردازند تا از این راه بتوانند اعتماد کارگران را به خود جلب کرده، واز حرکت کارگران در جهت تبلیغات و منافع ضدانقلابی شان بهره برداری کنند و راه را برای بازگرداندن اربابان امپریالیست خود هموار سازند. با توجه به اوضاع و شرایط خاص جامعه، ما معتقدیم که با مشکلات ناشی از گسری بودجه و محاصره اقتصادی باید مقابله اصولی کرد. نه به

شیوه دولت و شورای انقلاب بلکه به شیوه ای انقلابی و متکی به شوراهای واقعی، صادره انقلابی کلیه اموال سرمایه داران بزرگ، افزایش مالیات های مستقیم بر درآمدهای بالا افزایش مالیات بر کالاهای غیر ضروری و لوکس، قطع حقوق ژنرال های بازنشسته آریامهری و کارمندان خوش خدمت رژیم گذشته، کاهش حقوق های کلان و... کارگران مبارز هما نوشته شان را با این عبارات به پایان می رسانند: "بکوشید با ایجاد شوراهای واقعی و باز گرداندن کارگران انقلابی بر سر کار، سنگرهای خود را در قبال این سیاست های ضد کارگری و ضد شورائی مستحکم نمائیم تا نه تنها در تامین حقوق اقتصادی (منجمله حق مسکن...) بلکه مهمتر از آن در برابر خطر روز افزون امپریالیسم مبارزه مان را پیگیرانه به پیش ببریم"

نامه گروهی از کارگران موقت بانک ملی به نشریه "کار"

"اگر ما کارگران با هم متحد شویم، دیگر در محیط کار جایی برای عناصر مفتخور نیست"

بنام کارگران و زحمتکشان قهرمان ایران و با درود بر پرچمدارش سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

با ارسال این نامه، امیدواریم، نشریه انقلابی "کار" این بار، دردهای ما کارگران را که ۷۰ ساعت در هفته کار می کنیم برای برادران زحمتکشمان بازگو کند. ما کارگران موقت و درود بانک ملی ایران را نما سخن می گوئیم. در شب در شرایطی که شمار ۴۰ ساعت کار در هفته در همه جهاں به گوش می رسد و بسیاری از کارگران مبارز و انقلابی ایران اس شعار را مدنهیست عملی کرده اند، ما نا تحمل ۷۰ ساعت کار در همه و ستمات کوباکون دیگر پس از بیش، هر روز

این استعمار و حق کشی ها را لمس می کنیم و این مربوط به همه ماست. از قسمت های ساختمانی، باغبانی، تاسسات، بیمارستان، انتظامات، باشگاه، تعمیرگاه موتورخانه و سفره خانه گرفته تا سایر قسمت ها مثلا قسمت ساختمانی کارش از ساعت ۷ صبح است الی ۵ بعد از ظهر با حقوق ماهیانه ۱۸۰۰۰ تومان که از اس مبلغ مقداری هم به عنوان بیمه و مالیات کسر می شود. کاری را که در اینجا می کند، در بیرون با دستمزد روزانه ۱۰۰ تومان هم راضی نیست بکند و تنها به این امید که استخدام رسمی شود در اینجا به کارش ادامه می دهد. در اینجا معمولا کارگران را پس از مدت

کوتاهی اخراج می کنند و کارگر جدید به جایش می آورند تا مجبور نشوند کارگران را رسمی کنند. در قسمت باغبانی نیز که کارگران ۷۰ ساعت در هفته کار می کنند با حقوق ماهیانه ۲۵۰۰۰ تومان تمامی تعطیلی ها را هم باید بدون دریافت اضافه دستمزد کار کنند و ماهانه ۱۷۵۰ تومان ثابت بیمه و مالیات از حقوقشان کسر می شود (بدون آنکه دفتر چه بیمه داشته باشند). تبعیض و حق کشی در محیط کار فقط به طولانی بودن ساعات کار و کمی حقوق محدود نمی شود. بلکه در همه چیز این تبعیض وجود دارد. غذا را اول باید روسا بخورند و بعد کارگران.

کیفیت غذاها با هم فرق می کند. بعضی از روزها غذایمان مانده است و قابل خوردن نیست. محل استراحتمان هم پر از موش و حشرات است و هیچگونه وسایل آسایش ندارد. از کولر و هوای تمیز ابدا خبری نیست. معاونین و رؤسای این قسمت ها حقوقشان بالای ۱۰ هزار تومان است و کارشان هم در اطاق زیر کولر نشستن ساعت ۱۰ صبحانه خوردن، بعد ناهار و حداکثرش روزنامه خواندن است و تازه خودشان را نه تنها مسلمان دو آسه بلکه حامی کارگر هم می زنند. ابام تعطیل هر کدام ۷۰۰-۶۰۰ تومان اضافه کار می گیرند، اما حتی یک بار هم به خودشان این زحمت را نمی دهند که روز تعطیلی ۱۰ دقیقه خودشان را نشان بدهند. تا به حال هر وقت ما برای تعطیلی هفتگی و حقوق اضافه کاری مبارزه کردیم، این روسای قسمت ها با توطئه چینی و نفاق افکنی کارگران رسمی را در مقابل ما قرار دادند و با ایجاد تفرقه و نفاق مبارزه ما را برای

رسیدن به حق مان، سد کردند. حون می دانند وقتی ما کارگران با هم متحد شویم و همه به مسافع واقعی خود آگاهی پیدا کنیم، دیگر در محیط کار، جایی برای اس عناصر مفتخور و ضد کارگر نیست. ما کارگران اتحاد و مبارزه را شعار خود کرده و می کنیم و تا آخرس قطره خونمان برای جمعش هدف های انقلابی و اساسی کارگران و زحمتکشان مبارزه می کنیم. ما فریب آن کسانی که از طرفی شعار "اسلام حامی زحمتکشان است" را می دهند و از طرف دیگر از درون مانع اتحاد واقعی زحمتکشان می شوند و به هزار بهانه با بوشش اسلام به کارگران صربه می زنند، نمی خوریم.

بهروز باد تلاش های همه کسانی که برای اتحاد کارگران و زحمتکشان مبارزه می کنند درود بر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، پرچمدار پر افتخار ما

کارگران موقت بانک ملی ایران

پر توان باد جنبش طبقه کارگر - پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

کارگران مبارز کارخانه کفش مهبوش با اتحاد و مبارزه خود عوامل ضد کارگر را افشا کرده و از اخراج همکار مبارز خود جلوگیری کردند

جلوگیری به عمل آمد. این بار همه کارگران به طرف کارگزینی راه افتادند و با شمار نوشین، فرخی، یگانه (رئیس حسابداری، مدیر تولید و رئیس کارگزینی) اخراج باید کردند. مدیران فلابی اخراج باید کردند. در همانجا اجتماع کردند. سپس برای آنکه بطور موثرتری جلوی دیگر توطئه‌های عوامل کارفرما را بگیرند، تصمیم گرفتند همان روز با اتکالی به حضور همگانی کارگران، انتخابات شورای جدید کارخانه را برگزار نمایند و طی این انتخابات کارمند مزبور را نیز به عنوان یکی از نمایندگان شورای کارگران انتخاب نمودند. این انتخابات نه تنها توطئه اخراج یکی از کارکنان مبارز را خنثی کرد بلکه صحت از آن موجب تحکیم تشکل همگانی کارگران در مقابل کارفرما نیز شد.

قهرگنی جواب مشکلات ما را بده. آقای احمد زاده ناگهان به بازدید خود خاتمه داد و به طرف ماشین خود به راه افتاد. کارگران مهبوش با نفرت و خشم از این حرکت و رفتار بچه‌گانه آقای وزیر با فریادهای اعتراضی او را بدرقه کردند.

احمد زاده به دنبال این "بازدید" دستور اخراج یکی از کارکنان را داد (این کارمند از حقوق کارگران در مقابل وزیر دفاع کرده بود) روز ۱۲ خرداد عوامل کارفرما از ورود این کارمند به داخل کارخانه جلوگیری کردند. کارگران به محض اطلاع از این امر به طرف در ورودی کارخانه حرکت کردند و به عوامل کارفرما شدیداً اعتراض نمودند و کارمند مزبور را با خود به داخل کارخانه آوردند. روز بعد مجدداً از ورود این کارمند به کارخانه

به سایل طرح شده بدهد برای "بازدید" از کارخانه‌ها به راه افتاد. در یک قسمت از کارخانه، کارگران زن خواهان ایجاد مهد کودک مناسبی برای کودکان خود شدند که این خواست نیز مثل دیگر خواست‌های کارگران با عدم استقبال وزیر مواجه شد. سپس آقای وزیر به قسمت مهبوش رفت و بدون آنکه به اجتماع کارگران در کارخانه توجه نماید به "بازدید" قسمت‌های خالی از کارگر پرداخت. کارگران که از این عمل او به خشم آمده بودند به احمد زاده گفتند:

"ما شما را خواستیم که به مشکلاتمان رسیدگی کنید" احمد زاده گفت: "من با شما کاری ندارم". کارگر دیگری گفت: "تو که ادعا می‌کنی طرفدار مستضعفین هستی به جای اینکه مثل بچه‌ها

یکی از نمایندگان در انتقاد از هیئت مدیره کارخانه که مورد تأیید دولت است گفت: "هیئت مدیره نه تنها با شورا همکاری نمی‌کند بلکه در امر استخدام حتی با شورا مشورت هم نمی‌کند" و کارگر دیگری اضافه کرد: "کارگران باید از طریق شورایشان بر امر استخدام و اخراج نظارت داشته باشند". احمد زاده بدون توجه به این خواست کارگران گفت: "شورا نهایتی در کار هیئت مدیره دخالت کند". یکی از کارگران گفت: "در گذشته هرگاه کارگری از حق خود دفاع می‌کرد به اسم اخلاکگر و غیره اخراج می‌شد، حال اینکه کارگران خیلی بهتر از هیئت مدیره می‌توانند تشخیص دهند که اخلاکگر است و کی نیست". احمد زاده بدون آنکه بتواند جواب قانع کننده‌ای

در تاریخ ۶ خرداد در اجتماعی که به خاطر بازدید احمد زاده وزیر صنایع و هادن از گروه صنعتی بلا، حم و مهبوش تشکیل شد، کارگران مهبوش حضور یافتند و اعلام کردند که آقای وزیر باید به کارخانه آمده و به مشکلات و مسائل کارگران پاسخ گوید. در اجتماع کارگران جم و بلا و با حضور وزیر صنایع و هادن یکی از امضای شورای کارکنان خواست‌های کارگران را به شرح زیر اعلام کرد:

- ۱- وام برای به حرکت درآمدن کارخانه.
- ۲- سکن ارزان برای کارگران.
- ۳- اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل.
- ۴- پرداخت باقیمانده سود و عیدی ۵۸ صاحب شرکت (عمید حضور) و ...

پس از اعلام این خواستها

مبارزات کارگران کارخانه "ساکا" علیه زندانی شدن نماینده کارگران و تعطیل شدن کارخانه

چند کارگر مبارز نیست بلکه مهم تر از آن نمونه دیگری از توطئه‌های مکرری است که علیه تشکلهای واقعی کارگران (اعم از شوراهای و سندیکاهای واقعی کارگران) طی روزهای اخیر شاهدش بوده‌ایم. توطئه از هم پاشاندن تشکلهای واقعی کارگری در کارخانه‌های ماشین‌سازی، تراکتورسازی، لیدتراک، ایرداک، پشم و پتوی تبریز، پاکدیس ارومیه، چاپخانه یادگاران و ... بالاخره کارخانه ساکا مشخصاً اقداماتی است بر ضد تشکلهای واقعی کارگری که در جهت مختل کردن و به تعویق انداختن امر وحدت و تشکل انقلابی طبقه کارگر ایران صورت می‌گیرد. اقدامی که دانسته یا ندانسته به نفع امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم امریکا تمام می‌شود. و از آنجا که اتحاد و تشکل واقعی کارگران اساسی ترین و تعیین کننده ترین عامل، پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک است، هرگونه اختلال در امر اتحاد و وحدت کارگران اقدامی ضدانقلابی محسوب می‌شود.

تعارفاتی نظیر: نماینده کارگر زندان است حاج محمود، بر پایه دار آزاد است کارگر زندانی آزاد باید کرد توطئه کارفرما افشا باید کرد

خواست خود را به گوش مردم می‌رسانند. سرانجام دفتر رئیس جمهور از کارگران ۲۴ ساعت مهلت خواست تا به خواسته‌های آنها رسیدگی کند و از کارگران خواست تا به سرکار خود بروند و مشهد شد مسئله تعطیلی کارخانه را با تماس با مقامات حل خواهد کرد.

کارگران با خواندن تظنامه‌ای محل اجتماع را ترک کردند. آنها در این قطعنامه بر آزادی نماینده‌شان تأکید و توطئه تعطیل کارخانه توسط کارفرما را محکوم کردند. آنچه که در اینجا باید بدان توجه داشت این است که اقدامات ضدکارگری فوق الذکر تنها توطئه‌ای علیه

شده بخاطر ضربه زدن به اتحاد و مقاومت کارگران می‌دانستند. کارگران که دیده بودند تنها در سایه اتحاد و مقاومتشان بوده است که ۵ تن از نمایندگانشان آزاد شدند، پس از مذاکره و وعده‌های سرخمرین مقامات تهدید کردند که اگر تا روز جمعه ۳۰ خرداد کربمی حصار آزادی نشود، روز شنبه ۳۱ خرداد جلوی دفتر رئیس جمهوری اجتماع خواهند کرد بدنبال بی‌امتنانی مقامات نسبت به آزادی نماینده کارگران ساکا، آنها در روز شنبه بعد از اجتماع در جلوی کارخانه به اتفاق خانواده‌های تعدادی از کارگران به دفتر رئیس جمهور رفتند. بعد از رفتن کارگران از محل کارخانه، پاسداران کارخانه را اشغال و در آن را می‌بندند. این عمل ضد کارگری باعث خشم بیشتر کارگران شد. آنها تصمیم گرفتند تا آزادی دبیر سندیکا و باز شدن کارخانه دست از مقاومت برندارند. آنها با

حدودی مناصر ضدکارگر علیه سندیکای واقعی کارخانه جریان داشته است. مصرا نه خواهان رسیدگی به مسائل شده و بار دیگر بر "آزادی بی قید و شرط" نمایندگان خود تأکید می‌کنند. سرانجام در اثر پیگیری اصولی و یکپارچه کارگران، ۵ تن از نمایندگان آزاد شده و دادستانی متعهد می‌شود آخرین نماینده را نیز هرچه سریع‌تر آزاد کند. بعد از یک هفته مذاکره با نماینده کارگران با مدیر عامل در رابطه با آزادی احمدرضا کربمی حصاری نماینده زندانی، کارگران به این نتیجه رسیدند که مدیریت آنها را از خواسته اصلی‌شان صبری برآزاد شدن نماینده‌شان منحرف می‌سازد کارگران این نظر را بخصوص بعد از اطلاعیه مدیریت بخاطر تعطیل شدن کارخانه در تاریخ ۵ تیر بیشتر تأیید می‌کردند. آنها تعطیل کارخانه را تحت بهانه تعطیل تابستانی توطئه‌ای حساب

در تاریخ ۱۰ خرداد ماه طی اطلاعیه‌ای از طرف دادستانی انقلاب اسلامی (مدوسی) ۶ تن از نمایندگان کارگران و هیئت مدیره کارخانه ساکا برای مذاکره در مورد مسائل کارخانه به دادستانی دعوت شدند و بجای مذاکره سر از زندان اوین درآوردند! بازداشت و زندانی شدن این نمایندگان موجب خشم و انزجار همه کارگران را فراهم آورد. کارگران ضمن اعتراض به این اقدام خودسرانه و ضدکارگری دادستانی، خواستار آزادی بی‌قید و شرط نمایندگانشان شدند. آنها در ۱۲ خرداد طی طوماری (با امضای عموم کارگران) اعلام کردند که هرگونه توهین و اتهام به نمایندگان خود را، توهین به تمام کارگران دانسته و آن را قویاً محکوم می‌نمایند. کارگران در تاریخ ۱۷ خرداد در مقابل دادستانی اجتماع می‌کنند و ضمن افشای توطئه‌ها و کارشکنی‌هایی که توسط وزارت صنایع و هادن و

بقیه از صفحه ۲
برنامه کمونیست های یمن...

از عمل مشترک با سایر کشورهای عربی متروقی در زمینه مبارزه با امپریالیسم و هم چنین از نزدیکی و همکاری بیشتر با کشورهای سوسیالیستی جلوگیری می کردند. اهمیت روابط با کشورهای سوسیالیستی برای یمن جنوبی وقتی روشن تر می شود که توجه داشته باشیم که منابع مالی و درآمد یمن جنوبی بشدت محدود است و حدود ۸۰٪ پول مورد نیاز برای انجام طرح های صنعتی بصورت قرض و اعتبار با بهره نازل از طرف کشورهای سوسیالیستی تامین شده است. بدین خاطر کاهش روابط اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی در مورد یمن جنوبی یعنی میدان دادن به سرمایه امپریالیستی می بود. توطئه کودتای اپورتونیستی های "چپ" با هوشیاری جناح چپ "سازمان سیاسی متحد جبهه ملی" درهم گوبیده شد و چندماه بعد اولین کنفرانس حزب سوسیالیست یمن منعقد شد و دومین برنامه پنج ساله اقتصادی را به تصویب رساند. در پایان همین سال اولین انتخابات شورای عالی خلق برگزار شد. در حال حاضر بخش عمومی صنعت در یمن جنوبی بیش از ۹۰٪ تولید صنعتی را در بر می گیرد. محصولات کارخانجات صنعتی و به ویژه صنایع نساجی، لباس دوزی، دباغی و تولید مواد غذایی بیش از سه برابر شده است. بیگاری بطور کامل از بین رفته است. در مرحله کشاورزی مزارع دولتی و تعاونی بیش از ۶۰٪ محصولات کشاورزی را تولید می کند. گسترش شبکه آبیاری و مکانیزه و تعاونی کردن هرچه بیشتر کشاورزی همچنان ادامه دارد.

سیاست داخلی جمهوری دمکراتیک خلق یمن بر پایه تصویب هرچه بیشتر انقلاب دمکراتیک ملی و فراوان شدن آن به انقلاب سوسیالیستی به پیروی از اصول سوسیالیسم علمی و تکامل دمکراسی تودهای به دمکراسی سوسیالیستی و سیاست خارجی آن بر اساس اتحاد استراتژیک با کشورهای سوسیالیستی، حمایت و پشتیبانی از جنبش های آزادیبخش ملی، همبستگی با طبقه کارگر جهانی و بالاخره همزیستی مسالمت آمیز با دولت های سرمایه داری در عین مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع استوار است. در حال حاضر جمهوری دمکراتیک خلق یمن عضو جبهه پایداری علیه توطئه امپریالیستی - صهیونیستی کمپ دیوید می باشد و از مبارزه عادلانه خلق فلسطین برای حق تعیین سرنوشت و از آن جمله حق تشکیل دولت جداگانه حمایت می کند.

میدالفتاح اسماعیل دبیرکل سابق حزب سوسیالیست یمن، تحولات یمن از بدست گرفتن قدرت توسط جبهه رهائی بخش ملی تا تشکیل حزب و دورنمای آینده را چنین جمع بندی می کند: " ما معتقدیم که تشکیل اولین کنفرانس حزب سوسیالیست یمن حادثه مهمی در تکامل انقلابی کشور ما محسوب می شود. این کنفرانس از طرفی پیام آور پایان دهه ای بود که در طی آن ما دوبار نیروهای را که می خواستند انقلاب را از سر اعلى خود منحرف سازند، یعنی ابتدا نیروهای راست و سپس اپورتونیست های "چپ" را شکست دادیم. از طرف دیگر کنفرانس مرحله نویسی را در فعالیت انقلابی خلاق بنیان نهاد که به باری قدرت و یکپارچگی حزب و پاکی مواضع ایدئولوژیک همیشه پیروزش و هم چنین بخاطر استفاده حزب از تجربیات و کمک اقتصادی کشورهای جامعه سوسیالیستی به پیشاهنگی اتحاد شوروی و تمام نیروهای رهائی ملی، صلح، ترقی، دمکراسی و سوسیالیسم مطمئناً به دستاوردهای جدیدی برای رفاه و خوشبختی زحمتکشان منجر شده و آینده درخشانی را در مقابل آنها خواهد گشود "

آقای رئیس جمهور!

بقیه از صفحه ۶

که توانسته است در جهت تضعیف و انحلال شوراهای و تشکلهای تودهای و انقلابی سخن گفته و گام برداشته است، او معتقد است که آقایان وزرا مدیران و متصدیان باید از اغلالگری در امر مدیریت دستگاهها در بخش های دولتی و خصوصاً جلوگیری نمایند و متخلفین (یعنی نمایندگان شوراهای) را شدیداً تعقیب و در صورت لزوم اخراج و به دادگاه های ذمه داری معرفی نمایند.

آقای بنی صدر و معین فر (وزیر نفت) نه تنها به قدرت شوراهای اعتقاد و اتکا ندارند بلکه بالعکس آن را عامل " اغلال در مدیریت " و مسئول کم کاری می شناسند. آنها پیشبرد کارها را در تحکیم قدرت و موفقیت مدیران می بینند و از این نظر در مقابل استعدادهای توانائی کارگران که در شوراهای تجلی می یابد مقابله می کنند و با تفریق مسئولیت های خطیر به مدیران، روسا و عناصر سرسپرده و سازشکار در واقع گری را به شبانی گوسفند می گمارند. مدت ها است (از قیام تا به امروز) که بخش هایی از صنعت نفت آبادان مثل قسمت تولید نفت سفید که تحت مسئولیت همین روسای سرسپرده قرار دارند، حتی قطره ای نفت سفید تولید نکرده است. بنی صدر باید به شوراهای توضیح دهد که چه کسی اغلالگر است و چه کسی دست اغلالگران را باز گذاشته است. خوابیدن این بخش (تولید نفت سفید) و تولید ناگافی نفت سفید منجر به آن شده است که دولت برای انعقاد قرار داد خرید نفت دست به دادن انحصارات نفتی بریتیش پترولیوم (B.P) بزند. مدیریت سازشکار و سرسپرده صنعت نفت آبادان در حال حاضر چنان نیرویی گرفته است که کلیه بخشنامه های ضد شورائی و ضد کارگری معین فر بنیل مصنوع بودن چاپ اطلاعات های حرفه ای "شوراهای" با استفاده از امکانات صنعت نفت و ... را آشکارا و با پشتکرمی بسیار به اجرا درمی آورد، بی آنکه کمترین واکنشی از واکنش انقلابی شوراهای داشته باشد.

اگر در کارخانه های تبریز و تهران شوراهای و تشکلهای واقعی کارگری را تنگ نظری های ضد دمکراتیک حزب جمهوری اسلامی مستقیماً تهدید می کند و بطور غیر مستقیم راه را برای تحکیم سلطه امپریالیسم می گشاید، در صنعت نفت، سنگر شوراهای توسط محافل لیبرالی آشکارا تهدید می شود. با توجه به اینکه صنعت نفت شریان حیاتی اقتصاد ایران است و گسترش نفوذ و سلطه روز افزون عناصر و محافل سازشکار و سرسپرده در آن برای امپریالیسم اهمیت ویژه ای دارد، از طرفی دیگر گسترش نفوذ و سلطه تدریجی محافل سازشکار و ضد انقلابی تنها با تضعیف و از هم پاشیدن شوراهای کارگران و کارمندان مبارز نفت می تواند تحقق یابد، از این رو در چنین شرایط حساسی وظایف انقلابی و خطیر شوراهای (پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک)، افشا و تضعیف عناصر و محافل سازشکار، تقویت پایه های شورائی قدرت تولید و بهر موری کار و انتقاد، افشا و بی اثر کردن اقدامات ضد شورائی و ضد کارگری مقامات حکومتی (در چار چوب تحکیم سنگرهای واقعی مبارزات انقلابی تودها و دفاع اصولی از دستاوردهای آن تجلی می یابد. نفتکاران مبارز و قهرمان می باید پرچم " در سنگر شوراهای، نبرد با امریکا " را همچنان در اهتزاز نگاهدارند.

اطلاعیه شاخه ...

بقیه از صفحه ۷

- ۱۸- سر باز وظیفه منوچهر نسل سراجی
- ۱۹- ستوان بار سوم قاسم آقایی دوست
- ۲۰- گروه بان یکم ابراهیم پسندیده
- ۲۱- گروه بان یکم کریم علی آبادیان
- ۲۲- سر باز وظیفه اسفندیار میرزامحمدی
- ۲۳- ستوان دوم عبدالله مبارکی
- ۲۴- سر باز وظیفه غلامرضا مهری
- ۱- استوار دوم مسعود
- لشکر کتی جنگ قصاص
- ۲۵- گروه بان سوم حسین سلیمانی
- ۲۶- پاسدار جعفر جنگوی

پرسنل مشروحه زیر در روز ۳۱ خرداد ۵۹ آزاد شدند:

- ۱- سرگرد پرویز فکور
- ۲- ستوان یکم احمد ذوالفقاریان
- ۳- استوار یکم حسن علی پورنبازی
- ۴- استوار دوم ارسلان شیرزاد
- ۵- گروه بان دوم میرداوود سیدین اصل
- ۶- گروه بان دوم حسین عبدالمهی
- ۷- گروه بان یکم سلطانعلی مداح پناهی
- ۸- گروه بان یکم شاپور نگاری
- ۹- گروه بان دوم نوروز عطایی
- ۱۰- سر باز وظیفه ولی الله ساقی
- ۱۱- سر باز وظیفه حسن رستگار
- ۱۲- سر باز وظیفه امیر هوشنگ بهنام
- ۱۳- سر باز وظیفه حسین محصل
- ۱۴- سر باز وظیفه منوچهر مرشدی
- ۱۵- سر باز وظیفه ماشاء الله ویسی
- ۱۶- سر باز وظیفه حسن فتحی.

پرسنل مشروحه زیر نیز در تاریخ ۱ تیر ماه ۵۹ که در گروگان سازمان جریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان بودند آزاد شدند:

- ۱- دیپلمه وظیفه نورالله نجفی خلج
- ۲- سر باز وظیفه فرض الله رستمی
- ۳- سر باز وظیفه رمضانعلی بهرامی پور
- ۴- دیپلمه وظیفه کریم میرزا حسن پور
- ۵- پاسدار لطیف قلی زاده
- ۶- سر باز وظیفه عزت الله جلیلیان
- ۷- گروه بان دوم زیر کدیور
- ۸- گروه بان یکم محمد ایرانی
- ۹- گروه بان یکم شهاب آردیلو
- ۱۰- گروه بان یکم مسگر بهر بنی خواه
- ۱۱- گروه بان دوم لطیف فرجی
- ۱۲- استوار دوم ناصر سرور
- ۱۳- دیپلمه وظیفه حمیدرضا اصغری
- ۱۴- گروه بان ۳ وظیفه علی کاوه کسائی
- ۱۵- دیپلمه وظیفه علی مهران
- ۱۶- دیپلمه وظیفه جمشید حسینی
- ۱۷- سر باز بهمانی صالح قضائی
- ۱۸- ستوان دوم محمد رضا شهبان
- ۱۹- پاسدار محمد رضا قاسمی.

بسیج مسلح توده ها ضامن پیروزی خلق های ماست

مبارزه اهالی روستای "زنجیران" با خانها و زمینداران بزرگ

شیراز

مالیات بر سیگار، ...

بخش از صفحه ۱۱

آنها اینان کسانی جز سرمایه - داران محتکری هستند که به هر وسیله و از هر راهی در پی غارت کارگران و زحمتکشان میگردند و کمتر از ۱٪ آن را بابت مالیات جدید بر سیگار پرداخت می کنند. این همان سیاستی است که بیشترین مالیات را از کمترین درآمدها میگیرد. سیاستی که نه تنها به نفع زحمتکشان و افراد کم درآمد نیست بلکه عملاً و مستقیماً مایه آنها عمل می کند.

در این میان بر کسی پوشیده نیست که افزایش قیمت سیگار و ناپایی آن راه را برای سودجویی زحمتکشان و قاچاقچیان بیش از پیش باز کرده است. مدتی است که سیگار تنها از طریق زحمتکشان و قاچاقچیان عرضه می شود. قیمت سیگارهای ایرانی به ۱۳ تا ۱۵ تومان رسیده است. چه کسانی این سودهای کلان را از دسترنج زحمتکشان به جیب می زنند؟ بحران دامن نزنند.

اطلاعات کردید که: در مسلک مبارزه با کمونیسم است و ما باید کمونیستهای ده را بیرون کنیم و به این بهانه دو خانواده فارسی زبان و یک خانواده ترک زبان را بمسواں کومیسیت زیر فشار قرار دادند. مردم مبارز ده بطور یکجا به حمایت از این خانوادهها برخاستند و به این ترتیب یک بار دیگر توطئه های نفاق افکنانه فئودالها و نوکراتان را نقش بر آب نمودند. آنها تاکنون موفق شده اند. در برابر حلات کوناکور این عناصر ضد خلق و نوکرا نو. مزدوران آنها مقاومت کنند و حتی تهاجمات سلحشانه آنها را به روستا دفع نمایند. مبارزه و مقاومت بی گناهی آشتی ناپذیر زحمتکشان روستای "زنجیران" بدون شک ریشه در ظلم و ستمی که سالها سال بر آنها روا شده است و نیز در آگاهی روز افزونشان به حقوق خود دارد و به همین علت مسدود مبارزه خود را تا پیروزی کامل بر خانها ادامه دهند.

گردد را به جان هم بیندازد و خود با خیال راحت به غارت و چپاولش ادامه دهد. لیکن مردم ده با هوشیاری تمام این توطئه و دیکر فریبکاریهای او را خنثی کردند. پس از شکست این نقشه، فئودالهای ضحور منطقه برای سرکوب مبارزات مردم زحمتکش زنجیران، به اقدامات مختلفی از جمله انحلال مدرسه معارفی روستا حمله به مردم به توسط چماق به دستان و قداره بندهای خود و استفاده از نفوذشان در دستگاههای دولتی متوسل شدند. آنها میخواستند به هر شکل که شده مردم رنج دیده روستا را که سالها زیر فشار گرسنگی، سرما، بیماری و بی برادری به سر برده بودند، از فکر مبارزه زمینها و باغهاشان محروم نمایند از جمله هم زمان با حمله سرلشکر ستولان سلطنتی و گروههای چماق - دارشان به دانشگاهها، زمینداران بزرگ زنجیران نیز بلافاصله در صدد استفاده از این حلات برای سرکوب مبارزات مردم برآمدند آنها

صدمردمی آنان در منطقه می باشد. در چند ماهه اخیر روستائیان و عشایر زحمتکش بعضی مناطق موفق شدند زمینهایشان را از چنگ خانها سرورن بیاورند. این امر در بالا بردن آگاهی مردم زنجیران تاثیر بسزایی بانی گذاشت و آنها نیز تصمیم گرفتند که زمینها و باغهای ملاکین را معارضه نمایند و آنها را بین خوشنشینان تقسیم کنند. این مسئله الهاس خان را شدیداً به وحشت انداخت و او را واداشت که در صدد ایجاد تفرقه در صفوف زحمتکشان روستا برآید. او در جلسهای که با حضور رهبنشینان ده تشکیل شده بود اعلام کرد که:

من زمینهای شما را محرم کرده ام. درست است. اما آنها را به ترکها داده ام. بروید آنها را از ده بیرون کنید و زمینهایشان را پس بگیرید.

او به این ترتیب میخواست زحمتکشان، ترک و

زنجیران در ۸۵ کیلومتری جنوب شرقی شیراز قرار دارد. زحمتکشان این روستا سر مل اکثر روستاهای سپهان، سالهاست که بر سر فئودالها و زمینداران بزرگ قرار دارند. در حالی که اکثریت قریب به اتفاق مردم ده از نان بخور و نمیر سر محرومید. "حبیبخان کرکس پور"، "الاس خان کرکس پور" و "فلامحسین خان کرکس پور" بین خوشنشینان سطح نامات وسیعی را به تصرف خود در آورده اند. این افراد همه از مزدوران رژیم سابق بوده اند و اکنون سر همچنان آزادانه میگردند و جان و مال مردم را مورد تجاوز قرار می دهند. حبیبخان و "فلامحسین خان" و "علازمجاهلوی" و "زبدانی" و از مزدوران ساواک بوده است. فلامحسین خان ساواکی حروم، پس از قیام راهرا توسط نیروهای انقلابی امضا شده است و پیرانجام التاسخان کارگزار خسرو خان قنطاری و "ناصر متقاری" و عامل اجرای نقشه های

نامه ای از روستا:

از تمامی زحمتکشان می خواهیم با اتحاد خود ریشه فئودال ها و سرمایه داران را بکنند

من یک روستایی هستم. یک روستایی درد کشیده و محروم از همه چیز. از کودکی ظلم و ستم ارباب جانم را به لیم یاد میدیدم. همیشه در فکر آن بودم که از او انتقام بگیرم. در سال ۵۸ رهبری یک عده از روستائیان را به عهده گرفتم و زمینهای آن فئودال بدتر از همه چیز را معارضه کردیم ولی...

مبارزات زحمتکشان

روستاهای "مانه" تسلط آنرا که بایر بجنورد

برای دریافت وام

مالکیت دارند و با با دروغ ها دیگر می نمودند آنها را فریب دهند. اما هیچ یک از این بهانهها تاکنون نتوانسته است روستائیان را از پیگیری خواستشان بازدارد. آنها در جواب طامات مستول میگویند:

"وام باید به کسانی داده شود که زمین کمتری دارند و با اصل زمین ندارند. چرا شما میگویید طرفدار مستغنین هستید؟"

و با:

"ما تاکنون بیش از ۴۰۰۰ تومان خسارت دیده ایم بدون اینکه یک قران دریافت کنیم. بنابراین چگونه می توانیم وام ۲-۳ هزار تومانی شما را قبول کنیم؟"

طامات مستول که در برابر استدلال روستائیان کاری از پیش نمی برند و در همین حال قادر به فریب دادن آنها نیز نیستند در روز ۹ خرداد ۵۹ به آخرین تجربه خود یعنی دستگیری مبارزین روستایی متوسل شدند و ۵ نفر از اهالی روستای "بدرانلو" را بازداشت نمودند. لیکن هیچ یک از این اقدامات مذبحوات تاکنون خللی در اراده انقلابی زحمتکشان پدید نیاورده است و آنها همچنان به مبارزات خود برای دریافت وام ادامه می دهند.

"مانه"، "سلطان" و "کسه بایر" در اطراف بجنورد واقع شده اند. نمایندگان اهالی زحمتکش این روستاها مدتها است که برای دریافت وام موندگی می کنند ولی تاکنون به نتیجه شخصی نرسیده اند. آنها هر بار که به طامات مستول مراجعه کرده اند یا با وعده و وعید روبرو شده اند و با تهدید و ستم زحمتکشان روستاهای فوق الذکر میگویند:

"ما تاکنون مقداری پول قرض کرده ایم تا محصولتان را بگیریم ولی حالا دیگر به علت بیماری و گران شدن توابع زندگی ما را ادامه دهیم و شدیداً به وام احتیاج داریم."

آنها خطاب به طامات مستول میگویند:

"شما به ما که تولید کننده هستیم وام نمی دهید اما سرمایه داران وام های چند میلیون تومانی می دهید؟"

لیکن طامات فوق در جواب این درخواست روستائیان تاکنون با سعی کرده اند آنها را از امروز تا فردا سر بردارند. با عنوان کرده اند که "نمی توانیم تا بیش از ۳ الی ۴ هزار تومان وام بدهیم" یا گفته اند که "ما به کسانی وام می دهیم که تولیدشان بیشتر است و سند

نوعه را گاز گرفتیم و از دستش فر رفتیم. دیگر به خانمان نرفتیم. فرار کردم آمدیم به تهران و در اینجا یک کاری گرفتیم. کارگر شدم. روزها کار می کردم و شبها قرض می خواندم. تا اینکه ششم ابتدایی را تمام کردم. ۴ سال در تهران ماندم و در سال ۱۳۳۱ اصلاحات ارضی را آمد. به روستای خودمان برگشتم. یک سال در آنجا ماندم. چون کاری نداشتم به تهران برگشتم. همیشه به این فکر بودم که از ارباب انتقام بگیرم. تا اینکه در سال ۵۸ من رهبری یک عده از روستائیان را برعهده گرفتم و زمینهای آن فئودال ناچوانمرد و بدتر از همه چیز را معارضه کردیم. ولی متأسفانه آقای "حجی و شیخ موسی" رئیس دادستان انقلاب میانه به پشتیبانی از آنها پرداختند و ده نفر ما را به زندان محکوم کردند. واقعا جای تاسف است. دولتی که اسمش را حامی مستغنین می گذارد، چنین افرادی را مستول و در رأس دادستانی قرار دهد.

خطرات فکینی از پدرم داشتیم و برای همین تصمیم گرفتیم که دیگر برای ارباب کار نکنیم. به تهران بروم و در آنجا کار کنم. شب به مادرم گفتم دیگر نمی خواهم معانی کار کنم. دیگر ظلم پس است. مادرم گفت: پس چکار می خواهی بکنی؟ آنها تو را می کشند. پس عاقل باش. گفتم مادر به تهران می روم آنها نمی توانند مرا بکشدند.

صبح شد من رفتم خانه ارباب. لباسهایم را جمع کردم و میخواستم از مادرم خفاحافظی کنم که نوجه ارباب بپدایش شد مرا به زور کتک پیش ارباب برد. ارباب تا می خورد با کمر بند کتک زد و بعد به من گفت: "پدرت همیشه برای من کار کرده، تو چرا کار نمی کنی؟" گفتم: "پدرم کار کرد و ثروتمان آن شد که پولهایش را تو بخوری و آخر از دست تو دق کرد و مرد. من هیچ وقت این کار را نمی کنم، حتی اگر بکشدم."

ارباب از حرف من به خشم آمد و دستور داد مرا به چاهی که گوشه حیاط بود بیندازند. گفتم: اگر این بچه بماند، برای ما فردی می شود. نوجهما به جان من افتادند و مرا گرفتند. نزدیکی چاه که رسیدیم دیدم اینها راستی راستی می خواهند. بیندازند تو چاه. دست

درد بر فدایی، سلام بر زحمتکش.

سلام:

منی خواهم با گرفتن وقت شما از درد و محرومیت خودم که در رژیم طاغوت کشیدم به شما بازگو کنم. برادران، من یک روستایی هستم، یک روستایی درد کشیده و محروم از همه چیز، چه در آن رژیم و چه در این رژیم. من وقتی بهم بودم خیلی حساس و علاقمند به درس خواندن بودم. ولی وضع مالی به من اجازه نداد که بتوانم درس بخوانم. پدرم برای کار می کرد و مرا هم به نوبت ارباب بود تا اینکه یک پول ناچیز برای تامین زندگی و یک نان بخور و نمیر از ارباب بگیریم. من همیشه به این فکر می کردم که چرا باید من درس نخوانم ولی پس ارباب و بهجهای نوجهمای ارباب درس بخوانند. همیشه در عذاب بودم و رنج می بردم یک روز بادم دست هنگام جمع کردن

گفتم که میخواستیم، باز خرمن را به خانه ببریم، ارباب و نوجهمایش آمدند و گفتم ما را از دست پدرم گرفتند. ارباب گفت: به من بدهکار هستید" پدرم ماهوس دستم را گرفت و به خانه رفتیم. مادرم پرسید چرا آمدید؟ پس گفتم کو؟ پدرم زد زیر گریه و گفت به ارباب بدهکار بودم، همایش را برد. من ناراحت شدم. خیلی گریه کردم. ولی چه فایده داشت. به فکر انتقام گیری از ارباب بودم. مادرم را بگویم: پدرم ۸ ماه مرد و غم مرا بیشتر و افزونتر ساخت. من چاره نداشتم جز آنکه به نوکری ارباب ادامه دهم. یک روز در صحرای پیش خود فکر کردم تاکی باید من پول نداشته باشم که یک شلوار بخرم و لااقل یک کیلو میوه بخرم. من آن موقع ۱۲ سال داشتم ولی خیلی درد کشیده بودم. از ظلم و ستم ارباب جانم به لیم رسیده بود.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

حرکت اعتراضی زحمتکشان

محله بارودکوبی شهری و کارگران سیمان ری علیه آلودگی هوا

سالهاست که زحمتکشان ساکن بارود کوبی و سیمان (شهر ری) از گرد و غبار کارخانه سیمان ری رنج می بردند. اهالی بارودکوبی علاوه بر اینکه از آلودگی و آلودگی ناشی از سیمان (از آب لوله کشی گرفته تا امکانات بهداشتی و ...) محرومند. از هوایی آلوده به گرد سیمان که از دودکشهای کارخانه خارج می شود) سبز در رنج و عذاب است. این گرد و غبار سیمان که تمام محیط خانه و زندگی مردم را پوشانده است مواردی و بیماری های تنفسی چشمی (تراخم) و ... را برای اهالی زحمتکش اطراف کارخانه به بار می آورد. مبارزات کارگران و زحمتکشان چه در داخل و چه در خارج (اعتراضات اهالی محل) کارخانه برای بهبود شرایط کار و نصت فیلتر جهت تصفیه گرد سیمان مدتهاست جریان دارد ولی محیط کارخانه و محل سکونت زحمتکشان همچنان زیر بادهای آلوده و غبار و هوای سموم و آلوده قرار دارد. حرکت اعتراضی اخیر اهالی زحمتکش بارودکوبی سببگر مداوم این مبارزه در جهت تامین حقوق اولیه شان است. روز پانجم ۲۲ خرداد در اثر نفس فنی در کارخانه سیمان ری آبروی گرد و غبار فضای محله بارودکوبی را فرا گرفت که مراتب علیت تر از روزهایی معمول بود. این مسئله موجب خشم اهالی نده و عده زیادی از زنان و مردان بعنوان اعتراض به طرف کارخانه به راه افتادند آنها حواسار رسیدگی هرچه سریع تر به وضع دودکشهای کارخانه و بهبود وسایل کار شدند. در این موقع مأمورین کلاسری و پاسداران با اطلاع از جریان امر خود را به سرعت به کارخانه رسانده و سعی کردند تا وعده و وعده های تکراری مسئله را "حل" نمایند ولی مردم مصممانه و یکصدای برای اجرای حواسشان با فشاری

کردند و سرانجام تصمیم گرفتند که روز شنبه ۲۲ خرداد با مدیر عامل کارخانه ملاقات کرده و خواستههایشان را پیگیری نمایند. بدنبال این حرکت، پاسداران که در میان اهالی بدنبال "احلالگر" و "ضد انقلاب" می گشتند، ۱۲ نفر از کارگران کارخانه را به این اتهام واهی دستگیر کرده و موحیات خشنودی صاحبان کارخانه را فراهم نمودند و باردیگر با تنگ نظری و کوتاهی بینشان به دام توطئه سرمایه داران علیه زحمتکشان افتادند و مسبب اصلی یعنی طبقه سرمایه دار و حامیان امپریالیستش را تیرش کردند. در امر مبارزه انقلابی مردم به کارشکنی و اجلال پرداختند و اما کارگران و زحمتکشانی که درگیر مسئله آلودگی هوا و مقاله با این شرایط غیر انسانی هستند، تنها یک راه در پیش دارند و آن هماهنگی و اتحاد فعلی آنهاست. اهالی زحمتکش بارودکوبی باید برای تامین خواستههای مشترکشان با کارگران سیمان ری مبارزه شان را هماهنگ کنند. به این ترتیب که چند نفر (نمایندگان واقعیان) را انتخاب کنند. این نمایندگان به نحوی هماهنگ و متحد با شورای واقعی کارگران کارخانه سیمان خواهند توانست امر مبارزه با آلودگی هوا را به انجام رسانند و در قدم اول کارخانه دار را ملزم به نصب فیلتر برای تصفیه گرد و غبار سیمان بنمایند و این به تنها گامی است در جهت پاکسازی هوای محیط زندگی زحمتکشان بارودکوبی و همچنین بهبود شرایط و محیط کار کارگران سیمان ری بلکه فراتر از آن گامی مؤثر در جهت هماهنگی و اتحاد عمل هرچه بیشتر کارگران و زحمتکشان در مبارزه علیه مسبب اصلی باسامانی های موجود یعنی طبقه سرمایه دار ایران و امپریالیسم است.

گوشه ای از مبارزات دهقانی در آذربایجان :

تشکل شورائی زحمتکشان روستا و

مصادره زمین زمینداران بزرگ توسط این شوراها خواست اساسی زحمتکشان روستاهای میهن ماست

همزمان با رشد و اعتلای دم افزون مبارزات کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان میهنمان، دهقانان، هشتتود نیز حرکتیهای انقلابی نوینی را آغاز نموده اند. اولین حرکت سازمان یافته و متشکل روستائی در این منطقه توسط روستائیان بخش "قره آغاج، بخصوص روستای "قره آباد" در نخستین روزهایی پس از قیام بهمن ماه صورت گرفت. این حرکت تجربیات گرانبهایی برای روستائیان منطقه به ارضان آورد و تاثیر عمیقی در روحیه آنان برجای گذاشت. روستاهای بخش "قره آغاج از فقیرترین مناطق روستائی هشتتود هستند. فقدان

مدرسه و درمانگاه، دوری از شهر و نبود راه ارتباطی، ستم خان ها و زاندارم ها و ... اکنون سالهاست که روستائیان این منطقه را زیر فشار قرار داده است. زحمتکشان روستاهای منطقه هشتتود تا کنون بارها از مقامات و سازمان های "جمهوری اسلامی" خواسته اند که به مشکلاتشان رسیدگی کنند ولی تاکنون نه تنها قدمی به نفع آنها برداشته نشده است بلکه در بسیاری موارد بخاطر منافع اربابان و زمینداران بزرگ، توسط دستگاه های دولتی سرکوب شده اند. بر اساس این تجربیات

دهقانان بیش از پیش دریافته اند که راهی جز اتحاد و تشکل، تشکیل شوراهای واقعی و اقدام مستقیم برای مصادره و تقسیم زمین زمینداران بزرگ در برابرشان نیست. زحمتکشان روستاهای منطقه: تحت ملای و غلظی، تورجه، صومعه و بانبلانی با تشکل شورا و اقدام به مصادره و تقسیم زمین های اربابان، یکبار دیگر نشان میدهند که تشکل شورائی زحمتکشان روستا و مصادره زمین زمینداران بزرگ توسط این شوراها خواست اساسی و گزیرناپذیر زحمتکشان روستاهای میهن ماست.

حاکم شرع دادگاههای انقلاب ارتش ...

بدون شک سیاست تصفیه پرسنل انقلابی ارتش، در متلاشی ساختن شوراهای سربازان، درجه داران، افسران جزو و همافران دقیقاً در نقطه مقابل آن اقداماتی است که برای خنثی کردن توطئه ها و شبکه های دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا در درون ارتش باید صورت بگیرد. این سیاست تنها به سود عوامل وابسته به امپریالیسم در ارتش می باشد. در این میان آنچه که در گزارش حجت الاسلام محمدی ری شهری جلب توجه می کرد غفلت و بی توجهی ایشان از هدف های گوناگون و محیلاته ضدانقلاب در بی اعتبار کردن نیروهای انقلابی است. تجربه ۱۶ ماهی که از قیام می گذرد، به روشنی آشکار می سازد که چگونه یکی از حربه های امپریالیسم امریکا و دوستان و جاسوسان آن، سلب اعتماد توده های میلیونی از نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست بوده

است. پرسیدنی است که چگونه حاکم شرع دادگاههای انقلاب ارتش، به این آسانی فریب آبدی امپریالیسم را خورده و از قول آنان بر ارتباط طرفداران شاه با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران صحه می گذارد؟ آیا واقعا حجت الاسلام محمدی ری شهری آگاهی ندارند که سازمان ما در شمار محدود سازمان های بوده است که همواره از خطر دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا در درون ارتش به مردم ایران هشدار داده و در راه خنثی کردن توطئه های آنان به کیرانه مبارزه کرده است؟ طرح آکاذیبی که ایشان بر آن صحه گذاشتند تنها به سود امپریالیسم امریکا و آبدی آن است. تبلیغات علیه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست همواره اقدامی بوده است که بیشترین شادمانی را برای امپریالیسم و دوستان و جاسوسان آن به بار آورده است. مردم بدانند آنان که به چنین تبلیغاتی دامن می زنند آب به آسیاب امپریالیسم امریکا می ریزند.

مردم میهن ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

تبلیغات رادیویی امپریالیسم ودوستان و جاسوسان آنرا خنثی کنیم

مالیات بر سیگار، فشاری تازه بر زحمتکشان

مهرم توده‌های زحمتکش را
بیش از پیش آشکار میسازد
نانوائی‌ای که نارضایتی
توده‌ها را دامن می‌زند و
بر زمینه آن امپریالیسم
جهانی سرکردگی امپریالیسم
امریکا رویای برقراری و
تثمت حکومت دست نشانده
خود را در سر می‌پروراند.
بحران‌های ناشی از نظام
سرمایه‌داری همیشه بیشترین
فشارها را بر زندگی توده‌های
زحمتکش وارد می‌آورد.
می‌بینیم در حالیکه قیمت
کالاها ی مورد نیاز توده‌ها
۴۰٪ الی ۷۰٪ و حتی ۱۰۰٪
افزایش یافته، دولت تنها
۱۰٪ به دستمزد کارگران
اضافه می‌کند! کسری این
مقدار از کجا باید پرداخت
شود؟ این تفاوت اما در
مورد کسانی که درآمد خوبی
برخوردارند، بسیار کمتر
است. مثلا در مورد همسر
سیگار، فرض کنیم کارگری با
درآمد روزی ۶۰ تومان هر روز
یک بسته سیگار در
خانواده‌اش مصرف شود، با
افزایش قیمت سیگار به
ستمای ۵ تومان، این کارگر
باید روزانه نزدیک به ۱۰٪
از درآمد خود را بابت سیگار
پرداخت کند و ۴٪ از درآمد
خود را بصورت مالیات
جدیدی که برای سیگار وضع
شده است، بپردازد. در
صورتی که کسی که روزانه ۳۰۰
بقیه در صفحه ۱۴

هفته گذشته دولت بکناره
قیمت سیگارهای ایرانی را
۱۰۰٪ افزایش داد تا آن را
به صورت مالیات به خزانه
دولت بفرستد. این مالیات را
چه کسانی می‌پردازند؟
مصرف‌کننده اصلی سیگارهای
ایرانی کارگران و زحمتکشان
مبهن ما هستند و این
مالیاتی است که بار آن بر
دوش توده‌های مجرور و
زحمتکش خواهد بود.
کارگران و زحمتکشان مبهن
ما که با سیگاری و گران
سرمایه‌آور دست به گریبانند
هر روز باید هزینه بیشتری را
برای نمانش نازهای خود
امضای دهند. سرمایه‌داران
با ایجاد اختلال در امر
تولید و احکام مواد موثر
باز مردم، به کمبانی کالاها
و نتجتا گرانی آنها دامن
می‌زنند و سودهای کلان به
حسب خود سراربر می‌کنند.
در این میان دولت با
سیاستهای غلط خود در مورد
افزایش قیمت‌ها و بستن
مالیات غیرمستقیم بر
ماحتاج ضروری زحمتکشان
نارضایتی توده‌های زحمتکش
مبهن را تشدید می‌کند.
افزایش قیمت‌ها و کمبانی
کالاها ی مورد نیاز مردم از
طرفی و بطح نازل درآمد
زحمتکشان نسبت به هزینه
زندگی از طرف دیگر
نانوائی دولت را در پاسخ
کوئی به مسائل و نازهای

دمکراسی دفاع می‌کند و
خود را طرفدار رفاه
زحمتکشان و نمود می‌نماید.
آنها در عین گنه‌مورانه‌ترین
دستی با کمبستنها و
خصوص سازمان چریکهای
فدائی خلق ایران، با حسن
اعلاسه‌های آنها از رادیوهای
واسته به خود مروره
می‌کوشند از اعتماد مردم به
سازمانهای انقلابی سو
استفاده کرده و مرز دوستان
و دشمنان مردم را درهم
بزند و خود را دوست مردم
خلیه‌گر یازد. امپریالیسم و
محدای داخلی آن کوس
می‌کند تا از دیگر فرهنگ و
روحیه صداعلاسی را که در
طول اعلاات آسپهای خدی
حورده بود، از سو رواج دهند
در این میان ساسپهان
دولت جمهوری اسلامی ایران
خود سپرس رمنه برای روی
آوردن مردم زحمتکش به
طرف سکه‌های صداعلاسی
امپریالیستی و نمود صداعلاسی
ضداغلاسی آنان می‌یابد.
عدم ساسحکوئی به حواسپهای
ملیون‌های زحمتکش ایرانی،
و فشارهای گوناگون اقتصادی
سای و احتماعی که به
زحمتکشان وارد می‌آید،
گرانی سرمایه‌آور همراه با

شوراهای کارگری، موطنه‌های
مکرر سران ارتش صداعلاسی،
سپدسات نظامی، محاصره
امصادی و کوس برای به
ایروا کشادن سارزات مردم
در سطح جهانی، همراه با
گسترش سکه‌های صداعلاسی
بخشی از فعالیت صداعلاسی
آنها را شکل می‌دهد. در
این میان باید به وسره
به عین محرت صداعلاسی
امپریالیستی توجه داشت.
امپریالیسم جهانی با
پارمان‌های سکه‌های موی
صداعلاسی می‌کوشد تا از
نارصایی‌های مردم به نفع
خود بهره بکشد. هم اکنون
استگاه‌های رادیویی
امپریالیستی هر روزه علیه
مردم ما ب صداعلاسی مسموم
کننده خود اقدام می‌دهند.
رادیوهای گوناگون همچون
"ایران آزاد" معلق به
ناور بختار هاشم، رادیو
عداد، بلندگوی رژیم عینی
عراق، سی.بی.سی، صدای
امریکا و... با اختصاص
برنامه‌های منظم به زبان
فارسی بار عمده این صداعلاسی
را بدوش می‌کنند. طبقه
سرمایه‌دار ایران نیز با
سازماندهی و بخش شراب و
روبرنامه‌های گوناگون،
براکدن شاعیات و اخبار با
شکل احتماعات و... بخش
دیگری از این صداعلاسی را به

اکنون صداعلاسی
انقلابی کابون‌ها و محافل
امپریالیستی در مبهن ما
اقدام کرده‌ای نام است.
هدف این صداعلاسی که هر
روزه شاهد آن هستیم و عین
وسره و حساب شده‌ای را در
مجموعه حرکات صداعلاسی
امپریالیسم جهانی سرکردگی
امپریالیسم امریکا انفا می‌کند
فربت مردم و حلت اعتماد
آنان به حرابیات و عوامل
واسته به امپریالیسم، رشد و
انفاه محدود فرهنگ و روحیه
صداعلاسی و تقویت روحیه
عوامل و عناصر واسته به
امپریالیسم به منظور آماده
ساختن شرایط سلطه دوباره و
کامل آید در مبهن ما میباشد.
امپریالیسم جهانی سداد
که در برابر مردم آگاه و
متحد جاره‌ای حر شکست و
ناودیه ندارد از این رو
سازماندهی سکه‌های قوی
صداعلاسی با استفاده از
امکانات قدرتمند مالی، مبی
و... همواره یکی از
شوه‌های مویز فعالیت‌های
صداعلاسی امپریالیسم را
شکل می‌دهد. امپریالیسم
جهانی در این ناره از
بحارت بروائی برخوردار
است. بحربه فعالیت‌های
صداعلاسی امپریالیسم امریکا
در نطی و گسترش سکه‌های
صداعلاسی آن منظور آماده
ساحس رمنه‌های کودتا و
می‌کند که در کودتای
امپریالیستی آن کشور انفا
کردند بحوبی ساسر چس
سای را نشان می‌دهد.
اکنون امپریالیسم جهانی
سرکردگی امپریالیسم امریکا
در مبهن ما نیز چس
سای را در پیش گرفته
است. آنها که از رشد
سارزات صد امپریالیستی -
دمکراسیک زحمتکشان جامعه ما
هر روز در هراس بیشتری فرو
می‌روند، در داخل ایران و
در سطح جهانی به موطنه
علیه سارزات مردم ما
مشغولند. تشدید فعالیت
کابون‌های صداعلاسی در
نقاط مختلف ایران، جنگ -
افروزی فتودالها در فارس،
مخاله سرمایه‌داران با

حاکم شرع دادگاههای انقلاب ارتش در دام دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا

با فاش شدن طرح موطنه
شکه "براندازی" در ارتش
یک بار دیگر هشدار
انقلابیون کمونست و برسنل
انقلابی که از سازماندهی
دوستان و جاسوسان
امپریالیسم امریکا در ارتش
بارها سخن گفته بودند،
درستی خود را به اثبات
رساند.

تورم رشد یافته، کمبود
مسکن، بکناری، کمبود سرو،
آب و سایر ضروریات اولیه
زندگی، همراه با سیاستهای
اقتصادی دولت که خود
تشدید کننده شرایط دشوار
زندگی زحمتکشان می‌باشد،
مردم را به تنگ آورده است.
فشارهای کمزشتک اقتصاد و
سیاستهای ضددمکراسیک
دولت در بقیه در صفحه ۲

هدف تبلیغات رادیوهای وابسته به امپریالیسم آن
است که مرز دوستان و دشمنان مردم را درهم ریزند.
این رادیوها می‌خواهند دوستان و جاسوسان امپریالیسم
امریکا را دوستان مردم ما معرفی کنند.

بیش می‌برند.
امپریالیسم و متحدان
داخلیش از طریق این
سکه‌های تبلیغاتی می‌کوشند
تا خود را مدافع حقوق
خلقیهای ایران و نمود سارزات
رادیوها و روزنامه‌های
امپریالیستی خود را به دروغ
و بی‌شرمانه حامی جنبش
مقاومت خلق گرد جا می‌زنند
از آزادی‌های سیاسی و

بیش می‌برند.
امپریالیسم و متحدان
داخلیش از طریق این
سکه‌های تبلیغاتی می‌کوشند
تا خود را مدافع حقوق
خلقیهای ایران و نمود سارزات
رادیوها و روزنامه‌های
امپریالیستی خود را به دروغ
و بی‌شرمانه حامی جنبش
مقاومت خلق گرد جا می‌زنند
از آزادی‌های سیاسی و

بیش می‌برند.
امپریالیسم و متحدان
داخلیش از طریق این
سکه‌های تبلیغاتی می‌کوشند
تا خود را مدافع حقوق
خلقیهای ایران و نمود سارزات
رادیوها و روزنامه‌های
امپریالیستی خود را به دروغ
و بی‌شرمانه حامی جنبش
مقاومت خلق گرد جا می‌زنند
از آزادی‌های سیاسی و